

۷۰۰



حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست  
Worker-Communist Party of Iran  
Hekmatist

جمعه ۵ خرداد ۱۴۰۲ - ۲۶ مه ۲۰۲۳

## ”کودک همسری“، پوشش پدوفیلی قانونی

### در دفاع از امنیت و حقوق کودکان

سیاوش دانشور

صفحه ۳

## انقلاب زنانه و جنبش ضد مذهبی مشخصه مبارزات زنان در

### ایران

### به مناسبت روز منصور حکمت

هلاله طاهری

صفحه ۵

## اعلامیه حزب حکمتیست

## جمهوری اسلامی سه انقلابی را بدار آویخت

### جنایتکاران تاوان پس میدهند

صفحه ۷

دست نوشته عاتکه رجبی از معلمین مبارز شهرمشهد

## منصور حکمت از نگاه من

### در گرامیداشت روز منصور حکمت

سعید یگانه

صفحه ۸

## مجازات اعدام شیخ ترین شکل قتل عمد است

### مصاحبه با فصلنامه خاوران، نشریه سازمان دفاع از زندانیان سیاسی

### ایران

صفحه ۱۰

## در باره در لیست تروریستی قرار گرفتن سپاه پاسداران

سیاوش دانشور

صفحه ۹

گزارشات مبارزات کارگری و  
اجتماعی هفته گذشته

تهیه و تنظیم: سپیده عسکری و آرش کلهر

صفحه ۱۳

دهه چهلای سالهای شصت، با  
احترام به یاد و خاطره عزیز رفیق  
محمد امین نجاری (آویهنگ)

قسمت دوم

صفحه ۱۲

## لایحه ”عفاف و حجاب“ هم به

### داد جمهوری اسلامی نمی

### رسد!

یکی از خصوصیات و کاراکتر بر جسته تحول سیاسی و انقلابی در ایران بخصوص در ماههای گذشته حضور پررنگ زنان با حجاب سوزان در صف مقدم مبارزه است. جنگ زنان علیه ستم و تبعیض و حجاب اسلامی تازگی ندارد. جنبش آزادی زن علیه قوانین و فرهنگ اسلامی به اندازه عمر جمهوری اسلامی قدمت داشته و هیچوقت سرسازش و تسلیم در مقابل زورگویی های رژیم اسلامی نداشته است.

رژیمی که با تحمیل حجاب اسلامی و اعمال ستم همه جانبه به نسلی از زنان با زندان و اعدام توانست حاکمیت سیاه خود را بر جامعه بگستراند، امروز نسل دیگری از زنان همراه آنان پا به میدان مبارزه گذاشته اند که هیچگونه سازگاری با این رژیم ندارند. این نسل نه تنها علیه حجاب اسلامی که علیه کلیت قوانین و فرهنگ اسلامی، علیه هر نوع تبعیض و نابرابری به میدان آمده است و علاوه بر وحشیگری رژیم کوتاه نمی آید. این نسل، نسل سپیده ها و عاتکه هاست. مقاوم و شجاعانه ایستاده اند و آزادی و رفاه و شادی می خواهند که جمهوری اسلامی همه آنها را از زنان سلب کرده است.

جمهوری اسلامی بعد از ماهها تهدید و ارباب و سرکوب همه جانبه علیه زنان، قوانین جدیدی را برای مجازات زنان بد حجاب و بی حجاب در قالب لایحه ”عفاف و

صفحه ۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!



ای و بیشتری را علیه جمهوری اسلامی سازمان دهد. وقت آن است که تشکل زنان انقلابی و آزادیخواه قد علم کنند و دست آخر با گسترش جنبش توده ای در همه اشکال آن؛ مبارزه و اعتصابات کارگری، اعتراض معلمان و بازنشستگان فضا را برای جمهوری اسلامی و تعرض به زنان هر چه بیشتر تنگ خواهد کرد. جمهوری اسلامی می خواهد فضای اعتراض و نفرت عمومی را فقط به مسئله حجاب محدود کند. این ترنم را باید از جمهوری اسلامی گرفت. مردم، زنان، جوانان نه تنها با مسئله حجاب اسلامی و ستم بر زنان که با کلیت نظام سرکوبگر جمهوری اسلامی و حضور اوباشان اسلامی در زندگی خود مشکل بنیادی دارند و برای سرنگونی کلیت نظام به میدان آمده اند. لایحه حجاب و عفاف نیز به داد جمهوری اسلامی خواهد رسید. این مبارزه متوقف نخواهد شد. جمهوری اسلامی با ظاهری مقتدر و سرکوبگرانه و با لایحه پردازی نمی تواند جلو پیشروی زنان را بگیرد.

جامعه ایران دستخوش دگرگونی عظیمی است و جنبش آزادی زن بدون تردید یکی از جنبشهای موثر و قاطع علیه جمهوری اسلامی و ارتجاع اسلامی است. جمهوری اسلامی با ظاهری مقتدر از درون پوسیده است و کمر زیر بار این همه بحران راست نخواهد کرد. این اقدامات سرکوبگرانه علیه زنان تقلائی رژیم است که پاک باخته است و جز ابزار سرکوب هیچی در بساط ندارد. زنان پیروز این جنگند. در این شکی نیست. جمهوری اسلامی بازنده است.

سردبیر



## لایحه "عفاف و حجاب" هم به داد جمهوری اسلامی نمی رسد

حجاب" به مجلس ارائه داده است تا به خیال خود، با رسمیت دادن قانونی به مجازات زنان، جلوتعرض و موج برگشت اوضاع به نفع زنان را بگیرد و مانع تعرض بیشتر زنان شود.

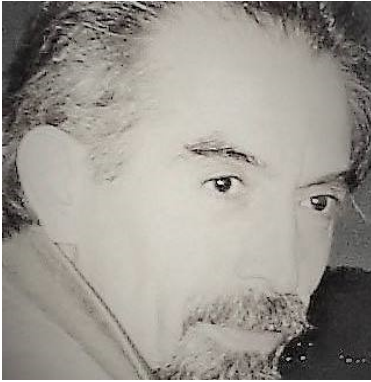
ماههای گذشته زنان با آتش زدن حجاب اسلامی به عنوان سنبل اسارت و حقارت زن، زیر پا گذاشتن مقدسات جمهوری اسلامی و عمامه پرانی به عنوان ضدیت با حاکمیت اسلام و آخوند برای اولین بار در تاریخ تحولات اجتماعی، ایران، چنین صحنه های شورانگیزی از شجاعت و جسارت علیه حکومت وحشی اسلامی به خود دیده است. همه این شجاعت و از خود گذشتگی در شرایطی اتفاق افتاده است که جمهوری اسلامی با تمام امکانات نظامی، امنیتی و تبلیغی، گشت ارشاد، بسیج آخوند و آتش به اختیارهای خامنه ای برای کنترل زنان به میدان آمده اند. با وجود آن زنان به حکم خود حجاب اسلامی را باطل اعلام کردند و به مبارزه برای رهایی کامل از ستم و تبعیض ادامه می دهند. تازه این تمام آن نفرت و بیزاری و خشم زنان علیه جمهوری اسلامی نیست و تمام آن پتانسیلی نیست که جنبش رهایی و آزادی زن از آن برخوردار است هنوز تماما به میدان نیامده اند.

اکنون که رژیم اسلامی در مهار این چالش بزرگ نا کام مانده و در شرایط دشواری قرار گرفته است، این بار تلاش می کنند که با قوانین و تهدید و جرمه و محروم کردن زنان از امکانات اجتماعی به جنگ آنان بروند، مانع پیشروی و مبارزه آنان شوند و در ظاهر هم بوده اقتدار نظام را علیه زنان حفظ کنند. همه این اقدامات البته به داد جمهوری اسلامی نخواهد رسید. جمهوری اسلامی هر چه در توان داشته برای تحمیل حجاب اسلامی به کار گرفته و کم نیآورده است، که اکنون بخواد با قانون دست و پای زنان را ببندند. صورت مسئله واقعی این است که با لغو حجاب اسلامی کل کاخ جمهوری اسلامی فرو خواهد ریخت و دکان مذهب تعطیل خواهد شد. مبنای این همه قوانین و فشار و ارباب این است که جمهوری اسلامی هر طور شده این سنگر موجودیت نظام را حفظ کند و دوباره حجاب را به زنان تحمیل کند بدون قطع موفق خواهد شد.

جمهوری اسلامی از تعرضی که زنان شجاع و مبارزه به پیکره آن وارد کرده اند زجر می کشد. برایشان غیر قابل تحمل است که زنان بدون حجاب و پوشش آزاد به حکم خود خیابانها را از آن خود کرده اند و جمهوری اسلامی را به تنگ آورده اند. این مبارزه برای زنان هزینه بردار بوده با این وجود آگاهانه به جنگ این هیولای اسلامی رفته اند. به این فضا باید ادامه داد. کوتاه آمدن در مقابل این جانپان که به خون جوانان و زنان ما تشنه اند تلفات بیشتر به بار خواهد آورد. مردان باید بیش از گذشته در این عرصه از مبارزه به اتحاد با زنان بر خیزند. هر جا به زنان تعرض می شود اعتراض کنند و از آنان حمایت کنند. شرکت هر چه بیشتر زنان در این کارزار حجاب سوزان، حضور وسیع بدون حجاب در مکانهای عمومی جمهوری اسلامی را بیشتر در منگنه قرار خواهد داد و زمینه برای تعرض به جان این جانور اسلامی بیشتر فراهم می کند.

وقت آن است که جامعه ایران از این موقعیت عبور کند و تعرض توده

مرگ بر جمهوری اسلامی!



هزار و ۵۰۰ دختر در سنین زیر ۱۵ سال ازدواج کرده‌اند!" فجایی که بدنبال این جنایت اولیه رخ میدهند را همه میدانند. این آمار مثل بقیه آمارها بهداشتی و آبرودارانه است، روستاها و مناطق محروم که اصولاً در آمارها نمی آیند و سیستم آمارگیری عامدانه از لحاظ کردن بسیاری از وجوه موضوع طفره می‌رود. یعنی ابعاد کمی و مشقات منتج از این روال وسیعتر و دهشتناک تر

است. همینطور سن زیر ۱۵ سال را، با توجه به آمارها و روشهای ظاهراً غیرقانونی اما رایج، تا سن ۱۰ سال باید در نظر گرفت. با این فرض روزنامه اعتماد از گزارش نیره خادمی مینویسد:

"براساس آخرین گزارش مرکز آمار ایران از زمستان سال ۱۴۰۰ تا آخر پاییز سال ۱۴۰۱ دستکم ۲۷ هزار و ۴۴۸ مورد ازدواج دختران زیر ۱۵ سال در نقاط مختلف ایران به وقوع پیوسته است. اگرچه این روند از سال ۹۶ شکل نزولی پیدا کرده بود ولی از سال ۹۸ به همان روال قبلی بازگشت و صعودی شد. بررسی‌های "اعتماد: از گزارش وضعیت اجتماعی و فرهنگی ایران در پاییز ۱۴۰۱ که اسفند سال گذشته روی خروجی مرکز آمار ایران قرار گرفت، نشان می‌دهد که از سال ۹۶ ازدواج دختران زیر ۱۵ سال روند نزولی داشت و از ۲۳ هزار و ۴۲۱ مورد در سال ۱۳۹۶ به ۲۸ هزار و ۴۷۲ مورد در سال ۹۸ رسید. این روند اما تنها دو سال دوام آورد و از سال ۹۹ دوباره به ریل قبلی بازگشت و در سال‌های ۹۹ و ۱۴۰۰ به ترتیب به ۳۱ هزار و ۶۴۶ و ۳۲ هزار و ۶۵۵ مورد رسید. همچنین جمع ازدواج‌های زیر ۱۵ سال در ۴ فصل منتهی به ۱۴۰۱ نشان می‌دهد که در این یک سال ۲۷ هزار و ۴۴۸ دختر زیر ۱۵ سال در ایران ازدواج کرده‌اند. براساس اطلاعات این جدول آمار ازدواج دختران زیر ۱۵ سال در پاییز ۱۴۰۱ نسبت به تابستان همان سال ۹۳۳ مورد افزایش یافته است. همچنین در بازه سنی ۱۵ تا ۱۹ ساله نیز بیش از ۵ هزار و ۵۰۰ دختر بیشتر نسبت به فصل گذشته یعنی تابستان ۱۴۰۱ ازدواج کرده‌اند. نکته مهم ماجرا اینکه؛ بیشتر زنان کودک‌همسر در همان سنین پایین مادر می‌شوند و طبق آخرین اعلام سازمان ثبت‌احوال در اردیبهشت ۱۴۰۱، در سال ۱۴۰۰ دستکم ۶۹ هزار و ۱۰۳ نوزاد از مادران گروه سنی ۱۰ تا ۱۹ ساله متولد شدند و ۴۷۴ نوزاد از مادرانی در بازه سنی ۱۰ تا ۱۴ سال متولد شده‌اند!"

فقر اقتصادی و قوانین اسلامی در ایران منشا اساسی این جنایت بزرگ علیه کودکان و جامعه است. کارشناسان شبه منتقد "کودک همسری" موضوع را به "فرهنگ و تصمیم خانواده" پاس میدهند و خیرخواهانه عواقب ازدواج کودکان را به خانواده‌ها گوشزد میکنند تا دست خونین قانون و دولت را بشویند. مرتجعین فاسد و رشوه خواری مانند انسیه خزلعی، که منصب "معاون امور زنان و خانواده ریاست جمهوری" را دارد، در فکر اجرای حکم خامنه‌ای برای از دیداد جمعیت و رسالت کودکان برای دنیا آوردن قاسم سلیمانی‌های آدمکش است! برخی دیگر کاتولیک تر از پاپ مدعی اند: "در قرآن کودک همسری نیامده است!" اینها یادشان رفته در صدر اسلام و سنت محمدی روال چگونه بوده است. اینها اما مجموعاً جزو صورت مسئله هستند و خود ابزارهای مختلف سازماندهی و توجیه یک فاجعه اجتماعی در سطوح مختلف اند. باید از این نوع توجیهات و ادبیات فاصله گرفت و با شاخص‌های بشریت آزدیخواه جهان امروز برای تغییر سراغ موضوع رفت.

#### چه باید کرد؟

فعالین حقوق کودکان و جامعه انقلابی باید ابتدا از مفروضات جاری قاطعانه عبور و آنها را مورد تهاجم قرار دهند و

## "کودک همسری"، پوشش پدوفیلی قا نونی

### در دفاع از امنیت و حقوق کودکان

سیاوش دانشور

در جامعه سرمایه داری و بویژه در کشورهای استبدادی، حقوق و حرمت انسانی بطور لاینقطع مورد تعرض است. این روندی است که جایگاه حقوقی و حقیقی انسان بطور عام و بخشهای تحت ستم بطور خاص را مرتباً تنزل میدهد. همراه با تنزل ارزش و حقوق و شأن انسانی، شاهد سقوط ادبیات سیاسی و نوشتاری هستیم که سهم خود از سقوط ارزشهای معنوی خیر میدهند و چهارچوبی فکری و نظری برای توجیه مشقات واقعی و مادی میشوند که زندگی بخشهایی از جامعه را نابود کرده است.

عنوان "کودک همسری" در ادبیات رسمی در ایران یکی از آنهاست. این ترم ظاهراً به پدیده‌ای رایج مثل ازدواج کودکان اشاره دارد اما خود صورت مسئله را بعنوان یک فرض پذیرفته است و توجیهات رسمی، اقلیمی و فرهنگی و تاریخی نیز برای آن در آستین دارد.

سن ازدواج در دوره‌های مختلف زندگی بشر و جوامع مختلف یکسان نبوده است. همانطور که حق طلاق و حقوق زن در خانواده و جامعه و یا ساعت کار و حقوق کارگران. بسیاری از مسائل زندگی روزمره در جوامع سرمایه داری در چهارچوب همین نظام تغییر کرده اند. جنبشهای واقعی برای تغییر و به کرسی نشاندن حقوقی بمثابه قانون تلاش و مبارزه کردند تا درجه‌ای از سلامت در جامعه را در ابعاد مختلف جاری کنند. زمانی کودکان را بمثابه احشام می نگریستند. زمانی فرزند دختر را زنده بگور میکردند چون در تناقض با سیستم ارزشی خرافی و اقتصاد خانواده و طایفه و کاست مذهبی بود. هنوز بطور غیر قانونی و با راه‌های شبه قانونی در برخی مناطق هندوستان جنین دختر را می کشند. سالانه قریب دو میلیون قتل جنین و کودک حال با سقط جنین یا گرسنگی دادن به کودک دختر صورت می‌گیرد. هندوستان کشوری است که تناسب و تعداد زنان نسبت به مردان بشدت پایین است اما مرد در اقتصاد فقر زده خانواده یک سرمایه محسوب میشود و زن عاملی هزینه بردار. عقاید فوق ارتجاعی مذهبی و خرافی توجیه گر این تراژدی انسانی است. سقط جنین اجباری فقط با محاسبات اقتصادی نیست، فروش کودکان و قاچاق انسان برای استفاده از ارگانهای بدن آنان، فروش دختران به شبکه‌های مافیایی سازماندهی فحشا و ترافیک زنان و جوه دیگر این کابوس هستند.

با اینحال بشریت آزادیخواه و در راس آنها جنبش بین المللی طبقه کارگر و سوسیالیست‌ها تلاش کردند چهارچوبهایی را تحمیل کنند. کودکان حقوقی دارند که باید مستقل از این محاسبات اقتصادی و عقب افتادگی‌های فکری و فرهنگی و فعال مایشایی دستگاه خون آشام مذهب برسمیت شناخته شوند. والدین و خانواده‌ها موظف شدند از حقوق عشیره‌ای و سنتی خود در قبال کودک صرف‌نظر کنند و خود را با فرهنگ بدرجه‌ای انسانی شده و پیشرو وفق دهند. جامعه و سیستم آموزشی و تربیتی در قبال حال و آینده کودکان مسئول است و وجود قوانین و نظارت بر اجرای آنها یک قلمرو مهم مبارزه برای ارتقای حقوق انسانها بوده است.

#### "کودک همسری" اسم رمز یک جنایت بزرگ

در ایران اسلام زده، حرکت و جستجوی راه حل در دایره تنگ ارتجاع، روشی برای برخورد با معضلات مهم اجتماعی است. روزنامه اعتماد با ارائه آمار از "کودک همسری" گوشه‌ای از پرده یک جنایت عظیم را بالا میبرد: "از زمستان سال ۱۴۰۰ تا پایان پاییز ۱۴۰۱ دستکم ۲۷



## “کودک همسری”، پوشش پدوفیلی قانونی

### در دفاع از امنیت و حقوق کودکان

#### سیاوش دانشور

همزمان آلترناتیو انسانی خود برای استیفای حقوق کودکان را طرح کند.

#### پدوفیلی قانونی هم جرم است

آنچه در جریان است رسمیت دادن قانونی به یک نوع پدوفیلی تحت عنوان “کودک همسری” است. رابطه جنسی با کودکان زیر پوشش ازدواج و اطلاق “کودک همسری” به آن، تلاشی برای کاستن از قبح و شناخت مسئله است. چرا نمیگویید ازدواج کودکان

ممنوع و جرم جنایی است؟ هیچ کودکی به اختیار خود همسر بر نمی‌گزیند بلکه بمتابه وسیله و یک عامل اقتصادی بفروش میرسد. درست مانند بردگان در بازار برده فروشی. آنچه صورت میگیرد در دنیای مدرن که به همت کارگران حق و حقوقی را به کرسی نشانده است، ممنوع و از سنگین‌ترین جرائم است.

اولاً مطلقاً نباید صورت مسئله “کودک همسری” را پذیرفت بلکه صریح و روشن بعنوان پدوفیلیسم قانونی که طبق قانون اسلامی مجاز شمرده میشود، برای لغو بی‌اما و اگر آن مبارزه کرد و استفاده از این اصطلاح را در رسانه‌ها و اظهار نظر تقبیح کرد.

ثانیاً سن قانونی ازدواج در جمهوری اسلامی را نباید قبول کرد. این سن ۱۳ سال است و زیر پوشش این قانون است که این فجایع رخ میدهد. قبل از آن در ۹ سالگی “جشن تکلیف” برای کودکان برگزار میکنند. باردار شدن دختر ۱۰ ساله انسان را از زندگی سیر میکند. این توحش محض را نباید پذیرفت و باید علیه آن شورید. سن ازدواج باید سن قانونی در هر کشوری باشد. در همان سنی که از نظر علمی و داده‌های پزشکی جهان امروز فرد بالغ و بزرگسال محسوب میشود، یعنی فرد اختیار و حق رای دادن، شرکت در امور جامعه را دارد، میتواند در صورت انتخاب آزادانه و داوطلبانه زندگی مشترک را برگزیند و یا قانوناً ازدواج کند.

ثالثاً، امور اقتصادی خانواده، عقاید ارتجاعی والدین، اجبارهای نامرئی و فشارهای مذهبی موجب میشوند که فجایع ازدواج اجباری کودکان ادامه یابد. اینجا نقش دولت و قانون، مسئولیت جامعه در قبال حقوق کودکان مستقل از موقعیت اقتصادی خانواده، ارزشهای انسانی و فرهنگی و تربیتی، مسئله سلامت جسمی و رونی و آموزش کودکان نیز مطرح است که همه را نمیتوان به خانواده پاس داد. زندگی کودک نمیتواند تابع لوتری و بلبخت آزمایی چشم‌گشودن در خانواده متمول یا خانواده فقیر شود. جامعه بی‌قید و شرط مسئول تامین زندگی و امنیت و آموزش و سلامت کودکان است.

رابعاً، تجارت اقتصادی خانواده با کودکان باید یک جرم جنایی سنگین باشد. اگر محرومیت‌های تحمیلی در ابقای فرهنگ عتیق و نگرش ارتجاعی خانواده به کودک نقش دارد، مجرم اصلی دولتها و حکومت‌هایی هستند که این محرومیت‌ها را باز تولید و آن ایدئولوژی منحنی که سنت ازدواج کودکان را تشویق و ترغیب می‌کنند. از جمله فقر اقتصادی و مشوق‌های دولتی به خانواده‌های محروم برای دادن وام و تسهیلات برای ازدواج کودکان، عملاً خانواده‌های محرومی را در مقابل دریافت شندرغازی به فروش کودک تشویق میکند. دولت با این مشوق‌های اقتصادی اولاً در تسریع و تشدید فاجعه ازدواج کودکان فعالانه نقش دارد و ثانیاً از زیربار هزینه آموزش و تحصیل و حقوق کودک شانه خالی میکند. بیسواد و ترک تحصیل و عقب افتادن از دستاوردهای جهان امروز که پایه‌های زندگی معمول و روزمره اند تا عواقب دهشتناک

جسمی و روانی و مخاطرات دیگر، همه از نتایج این سیاست ضد انسانی و جنایتکارانه رژیم اسلامی هستند.

برنامه حزب، یک دنیای بهتر، حقوق کودکان را در رنوس زیر طرح کرده است:

#### حقوق کودکان

۱- حق هر کودک به یک زندگی شاد، ایمن و خلاق.

۲- تضمین رفاه و سعادت هر کودک، مستقل از وضعیت خانوادگی، با جامعه است. دولت موظف است استاندارد واحدی از رفاه و امکانات رشد مادی و معنوی کودکان و نوجوانان را، در بالاترین سطح ممکن، تضمین کند.

۳- پرداخت کمک هزینه‌های لازم و ارائه خدمات رایگان پزشکی و آموزشی و فرهنگی، برای تضمین استاندارد بالای زندگی کودکان و نوجوانان مستقل از وضعیت خانوادگی.

۴- قرار گرفتن کلیه کودکان فاقد خانواده و امکانات خانوادگی، تحت تکفل دولت و زندگی و تربیت آنها در نهادهای مدرن و پیشرو و مجهز.

۵- ایجاد مهد کودک‌های مجهز و مدرن به منظور برخورداری همه کودکان از یک محیط‌زنده و خلاق تربیتی و اجتماعی، مستقل از شرایط خانوادگی.

۶- برابری حقوقی کامل کودکان، اعم از اینکه داخل یا خارج ازدواج بدینا آمده باشند.

۷- ممنوعیت کار حرفه‌ای برای کودکان و نوجوانان زیر ۱۶ سال.

۸- ممنوعیت هر نوع آزار کودکان در خانواده، مدارس و موسسات آموزشی و در سطح جامعه بطور کلی. ممنوعیت اکید تنبیه بدنی. ممنوعیت فشار و آزار روانی و ارباب کودکان.

۹- مقابله قاطع قانونی با سوء استفاده جنسی از کودکان. سوء استفاده جنسی از کودکان جرم سنگین جنایی محسوب میشود.

۱۰- تعقیب و مجازات قانونی کسانی که به هر طریق و به هر توجیهی مانع برخورداری کودکان، اعم از دختر و پسر، از حقوق مدنی و اجتماعی خویش، نظیر آموزش، تفریح، و شرکت در فعالیت‌های اجتماعی مخصوص کودکان گردند.

#### کودکان مقدم اند!

از دیدگاه کمونیسیم کارگری، کودکان مقدم اند، بر هر چیزی، بر هر ملاحظه و منفعت ملی، اقتصادی، سیاسی، ایدئولوژیکی و مذهبی. در نظر نگرفتن کودکان تحت هیچ شرایطی و با توجهات فوق‌مطلقاً قابل قبول نیست. کودکان مقدم اند یعنی یک جامعه انسانی برای بهبود مستمر شرایط مادی کودکان و ارتقای رفاه و رشد و شکوفایی آزادانه آنها تلاش میکند. رفتار هر جامعه با کودکان یک شاخص مهم درجه انسانی بودن و آزاد بودن آن جامعه است.

۲۵ مه ۲۰۲۳

### زنده باد شوراها!

ارگانهای اعمال اراده مستقیم توده‌ای و کارگری را همه جا ایجاد کنید! در کارخانه‌ها و محلات شوراها را برپا کنید! امروز شورا ارگان مبارزه و قیام و فردا ارگان حاکمیت!

نه به حجاب اسلامی! حجاب را آتش بزیند!



امکانات را در محیط خودشان میتوانستند ببینید و حتی تهیه کنند اما نه تنها از آن محروم بلکه کفر و گناه کبیره شده بود. حکمت این نسل ها را بخوبی میشناخت و بارها در تشویق و سازماندهی رهبران آن سیمنا و بحث براه میاداخت. توجه فعالین جنبش کمونیسیم کارگری چه متحزب و چه هواداران آنرا عمیقاً به این نکته مهم جلب میکرد که غوغاسازی طیف اصلاح طلب و راست و ناسیونالیسم پوشالیست. این

جنبش بروز زنان و جوانان تنها نیرویست که غول در قدرت خفته را بزمین میکشد. حکمت مُصر بود که این جنبش زنان رنگ کاملاً ضد مذهبی دارد. نسلی که اسلام نمیخواهند و مدرنیسم و سکولاریسم را یاد گرفته و دست بردار نیستند. حتی در طیف چپ فریاد میزدند که این فرد دارد کمونیسیم را به انحراف میکشاند. اما حکمت نوعی از کمونیسیم را نمایندگی میکرد که از زمان مارکس و از بعد از انقلاب اکتبر لندن فراموش شده بود: کمونیسیم کارگری که خود در فرموله کردن و تکمیل مارکسیسم و تطبیق آن با شرایط امروز از زحمات دو دهه کار منصور حکمت است. در کمونیزم کارگری البته که نگاه به انسان برابر، به زنان، به طبقه کارگر و وظایف، به جنبشهای درگیر در مبارزه علیه سرمایه داری، ناسیونالیسم، در نقد کامل دین و خرافه های این عصر کاملاً متفاوت از جنبش علل العموم کمونیستی حاضر در جهان است و برای همین این تمایز مهم میبایست شکل میگرفت و منصور حکمت این را ممکن ساخت.

یکی از نکات مهم دیگر که حکمت همیشه تاکید میکرد مسئله نقش زنان در انقلاب آتی است. اصطلاح "انقلاب آتی ایران یک انقلاب زنانه خواهد بود" از یکی از مصاحبه های بسیار قدیمی او شاید به ۲۵ سال قبل برمیگردد که حکمت عمیقاً به آن اعتقاد داشت. همانزمان بسیاری از فمینیستها، راست و ناسیونالیستها و حتی بخشی از چپ این نظرگاه را افراطی میدانستند. در هشت ماه اخیر ما شاهد بودیم که نه تنها فمینیستها بلکه حتی شاهپها و بخشی از اصلاح طلبها و حتی دستجات ملی و ناسیونالیستها به "انقلاب زنانه" خواندن رضایت اجباری دادند. ممکن است ته دل خون بخورند که این را نمیخواستند ولی چاره ای نبود و باید قبول کنند. اعتراضات هشت ماه گذشته بدرستی نماینگر این واقعیت است که نه تنها زنان و جوانان دنبال آرمانهای مثنی نیولبرال-فمینیست نبوده و نرفته اند، بلکه با جرقه های انقلاب و حضورشان در صف اول مبارزات این طیفها را تا نزدیکی پرتگاه کشاندند. احتمالاً بسیار سخت بود که یاد بگیرند که زنان فقط روسریهای رنگارنگ و یا اجازه برای انتخاب حجاب نمیخواهند بلکه بسیار آگاهانه حاضرند برایش جان دهند و فریاد میزنند: "حجاب بی حجاب! کل حجاب نشانه است!". شهادت نداشتند که ببینند زنان و جوانان فرم عقب مانده و یا کلاسیک خانواده را میخواهند کنار بگذارند و "ازدواجهای سفید" را در زندگی های خصوصی خود جایگزین کنند ولی قبول آن به همه این طیفها تحمیل شد. اصلاح طلب و فمینیست هر دو با کله زمین خوردند وقتی دختران جوان در خیابانها بعد از مرگ مهسا امینی به بزرگترین تقدس اسلام یعنی حجاب دست بردند و آنرا آتش زدند. اینجا بود که بدجوری دستشان برای حتی دولتهای اروپایی "دوست" رو شد که نسبیت فرهنگی و هیاهوی تقدس فرهنگها وصله ناجوری برای مبارزات زنان در ایران است. معلوم شد که این فمینیستها همان نبوده و نیستند که نمایندگی جنبش بروز زنان جوان را میکردند. اینجااست که باید منصور حکمت را مطالعه کرد که چطور این نسل در انقلاب امروز ما را دو دهه قبل دقیقاً آنطوری توصیف کرد که عیناً هم همین شد:

"... جمهوری اسلامی را تحویل نسلی بدهید که به قرن ۲۱ چشم باز می کند، از او بپرسید که اینرا می خواهی؟ میگوید نه نمی خواهم! چرا باید در شرایطی که جوان فرانسوی، جوان ایتالیایی، جوان انگلیسی، جوان آمریکایی دارد یک دنیای دیگری را تجربه می کند، جوان ایرانی در این لحظه از تاریخ بشریت و تمدن بشر مشغول این باشد

## انقلاب زنانه و جنبش ضد مذهبی مشخصه

### مبارزات زنان در ایران

#### به مناسبت روز منصور حکمت

##### هاله طاهری

در تمام سالهای مبارزه علیه جمهوری اسلامی، چه زمانی که در کردستان متشکل و حزبی در مقابل جمهوری اسلامی جنگیدیم و چه سالیانی که در اروپا به فعالیت سیاسی ادامه داده ایم مسئله رهایی زن یکی از مسائل محوری و مهم در مباحث منصور حکمت بوده است. او بارها با فمینیستها، ناسیونالیستها، با همه جریانهای مذهبی در چالش عمیق سیاسی ونظری بر سر بی حقوقی زن در جامعه سرمایه داری و جامعه مذهب زده ایران و راه رهایی زنان نقش بسزایی داشته است. جنبش تازه به دنیا آمده آزادی زن با فعالینی که در دهه سیاه بشدت تحت تعقیب بودند توانست تا به امروز خود را در جامعه نه تنها سرپا نگه دارد بلکه نسلهای بعد از انقلاب را با خود همصدا کند. این جنبش در ارتباط و نزدیکی عمیق و تاریخی با جنبش چپ و کمونیست و جنبش کارگری بوده و هست. هم سرنوشتی این جنبشها آنچنان عمیق است که هیچ چاره ای به جز یافتن راه حلی مشترک برای رسیدن به آرمانهای نهایی خود ندارند. حکمت همسرنوشتی و اهداف مشترک و چگونگی راه رهایی را در طول حیات خود در دستور کار خود گذاشته بود.

از زمان پیوستن حکمت و همراهانش به کومه له که تنها سازمان چپ و کمونیستی در کردستان بود در کمتر از دو سال بعد از انقلاب میگذاشت که حزب کمونیست ایران تاسیس شد. برنامه یک دنیای بهتر بعنوان رهنمای سیاسی از آثار مهم منصور حکمت یکی از مهمترین سندهای سیاسی-تشکیلاتی ست که تا به امروز احزاب کمونیست کارگری آنرا پیش میبرند. در برنامه بدرستی آرمانهای جنبش نوپای آزادی زن فرموله شده بود و به فاصله چند سالی که گرد و غبار خشونت عریان رژیم و اعدامهای جمعی فروکش کرده بود این سند به یکی از مباحث مورد علاقه کانونهای جوانان و فعالین جنبشها تبدیل شد.

در محافل نسل جوانی که خاطرات درآلود نسل قبلی را از انقلاب و تهاجم رژیم به یاد داشتند بحثهای مهمی بر سر حقوق انسان، حقوق زنان، امر آزادی و برابری نیز براف افتاد. در مقابل جبهه ای دیگر از طیف رنگانگ فمینیستهای جوان و اما بشدت تاثیر گرفته از مکاتب نئولبرالی غرب و چسبیده به تئوری تغییر از بالا و اصلاح در قانون رشد کردند. کارشان شد لوبی کردن با نمایندگان مجلس برای اصلاح قانون. از دوره سقوط نوشتن خراسانی که به دامن مجلس سر خورد تا زمان شیرین عبادی و مهرانگیز کار که برای جویزو دعوت به کنفرانسها مسابقه میدادند، یک دهه بعد از آن مضحکه جنبش سبز و انقلاب نارنجی و تا این اواخر اختلاص با هر کسی که بتواند رژیم را کمی سر عقل بیاورد به اندازه کافی تاریخ مکتوب هست که هر کسی میتواند آنرا در در آرشیو ها مطالعه کند تا بداند اینها که امروز سنگ انقلاب زنانه را به سینه میزنند و مجبور به قبول قیام زنان علیه حجاب شده اند دروغگویان کم حافظه ای هستند که احتمالاً یادشان رفته چطور به چشم زنان و جوانان در صحنه مبارزه خاک می پاشیدند و دهرپراکنی میکردند که "شلوغش نکنید، خشونت نکنید، اصلاح راه نجات است!"

حکمت بسیار پیشتر از آن نگاهش به حرکات روزانه نسلی بود که هیچ ربطی به این غوغای راست و فمینیست نداشت. به نسل جوان زنانی بود که در جمهوری اسلامی بدنیا آمده بودند اما غده سرطانی خود این رژیم شده بودند. نسلی که از هیچ چیزی کوتاه نیامدند، حرف مفت از نمایندگان دولت و فعالین جنبشهای خارج کشوری و داخل سالن و کنفرانس قبول نمیکردند. کار خودشان را میکردند. بیرون ایران دنیا طور دیگری بود و جوانان و زنان میدیدند و آنرا میخواستند. همه

## انقلاب زنانه و جنبش ضد مذهبی مشخصه

## مبارزات زنان در ایران

## به مناسبت روز منصور حکمت

هلاله طاهری

که آیا باید گردن مردم را بزنند؟ سنگسار بکنند؟ اجازه دارد موزیک گوش بدهد؟ اجازه دارد با جنس مخالف معاشرت بکند؟ آیا حقوق برابری با هم دارند بخاطر جنسیت شان یا نه؟ آیا می تواند عقاید داشته باشد و یا روزنامه بخواند یا سفر بکند یا هر چه؟

اینها در جهان امروز حقوق پیش و پا افتاده است. درست است که خیلی جاها نقض میشود. ولی آنجاهایی که نقض می شود به آن میگوییم دیکتاتوری ارتجاعی و مردم جهان می دانند که آن را باید عوض کرد. در نتیجه صورت مسئله جمهوری اسلامی اصلا این است که بدرد این نسل نمی خورد، ربطی به این نسل ندارد... این نسلی که توده وسیع اش به صورت جوانان الان با جمهوری اسلامی روبرو است، اصلا در این سیستم چشم گشوده است. هیچ چیزی از خمینی یادش نیست، هیچ چیزی از انقلاب ۵۷ یادش نیست. چیزی از تمام آن جنبه ملی و شاه و بختیار یادش نیست. لاف اهل اگر هم میخواند آنها را در تاریخ، می خواند. او به زندگی خودش نگاه می کند. یک آدم بیست ساله، هیجده ساله در اول قرن ۲۱ چه گناهی کرده است که به قید قرعه کشی در جمهوری اسلامی بدنیای آمده؟ این آدم می توانست هر کجای دنیا باشد و سرنوشت دیگری داشته باشد، (این نسل) سرنوشت دیگر را می خواهد...".



## دست نوشته عاتکه رجبی از معلمین

## مبارز شهر مشهد

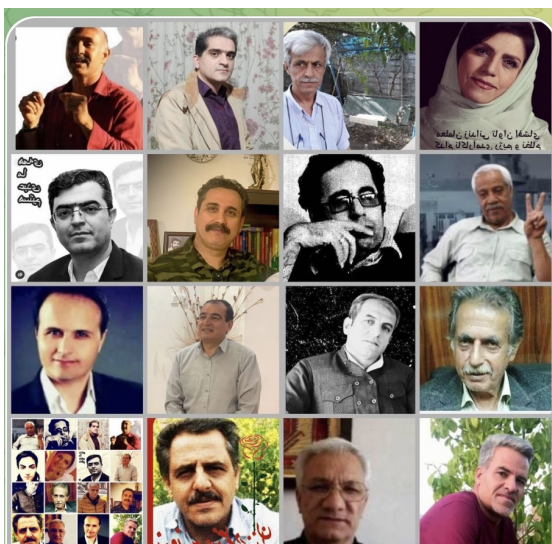


باید اعتراف کنم میدانستم در خانه مان چه خبر است. میدانستم بازداشت من و خواهرم راه رفتن را از پدرم خواهد گرفت. مادرم را شکسته و شکسته تر خواهد کرد. میدانستم خواهرم که به خاطر من بازداشت شده است این رنج را هیچوقت فراموش نخواهد کرد.

میدانستم همه آنها که مرا دوست دارند آرام و قرار از آنها گرفته شده است. با این حال عقب نکشیدم و در دل، نامه آموزگارم آرتین رحمانی عزیزم را تکرار کردم "شرمندم ام مادر". در راهی قدم گذاشته ام که شاید دیگر مرا نبینی. و به اندازه آرتین آرام بودم چرا همانطور که گفتم من با خود آگاهی به حقوقم را به همراه دارم. خواهرم را همان شب آزاد کردند اما در این خصوص به من هیچی نگفتند. با این گمان که خواهرم نیز بازداشت است در سلول انفرادی تا توانستم با صدای بلند برایش آواز خواندم.

میخواستم به ایمان خواهرم پی ببرم و بداند خواهرش حتی یک گام به عقب باز نخواهد گشت. به لحاظ روحی تحت فشار قرارم میدادند. همچنین تهدیدهایی همچون دفعه بعد که بازداشت شدی جور دیگری با تو برخورد خواهیم کرد یا تورا دیوانه می خوانیم و چهار ماه در تیمارستان بستری ات خواهیم کرد، شنیدیم با این حال تمام وقت به شما مردمی که عاشقانه دوستتان داریم می اندیشیدم و تلاش بسیار کردم در برابرشان ایستادگی و مقاومت کنم.

عزیزانم از شما آموختم چگونه از خود مراقبت کنم، چگونه مبارزه کنم، دادخواه باشم، چگونه حق خود را مطالبه بکنم. مرا دیگر هیچ باکی نیست. برای زندگی و آزادی مبارزه می کنم، برای رسیدن به حق و حقیقت. نمی دانم انتهای این راه زنده خواهم ماند یا نه. فقط می دانم که به خاطر انتخابم "خانواده ام رنج بسیاری متحمل می شوند و امیدوارم مرا ببخشند چرا که نمی توانم راه را ادامه ندهم"



معلمان  
زندانی  
بدون قید  
و شرط  
آزاد باید  
گردند!



## اعلامیه حزب حکمتیست

## جمهوری اسلامی سه انقلابی را بدار آویخت جنایتکاران تاوان پس میدهند



اصفهان از دوشنبه شب این هفته علیه اعدام در غلبان بود. اعتراض مردم دو بار مانع اجرای احکام اعدام تأیید شده برای سه زندانی پرونده موسوم به «خانه اصفهان» شد. تنها پنجشنبه شب تنفسی وجود داشت که جلادان فرصت را غنیمت شمردند و امروز صبح جمعه ۲۹ اردیبهشت، سه مبارز انقلابی مجید کاظمی، سعید یعقوبی و صالح میرهاشمی را بدار آویختند. بار دیگر ثابت شد که برای خیزش انقلابی سیاست انتظار مرگبار است و جنایتکاران از آن بنبغ تعرض به جامعه و انتقام از انقلابیون استفاده میکنند.

مردم آزادیخواه و جوانان انقلابی اصفهان و سراسر کشور! ما گفتیم «این آخرین پیامه اعدام کنی قیامه!» «وقت آنست و عده مان را عملی کنیم. وقت آنست در اصفهان و همه جا علیه حکومت اعدام برخیزیم. وقت آنست درس خوبی به حکومت بدهیم. نشان دهیم هزاران و صدها هزار نفر پشت هر انقلابی همسنگر ماست که توسط جنایتکاران به قتل میرسد.

ایرانیان خارج کشور! فوری و همین آخر هفته همه جا علیه حکومت اعدام از جمله در مراکز جاسوسی و سفارتخانه های رژیم و هر جا که مناسب میدانید وسیعاً دست به اعتراض بزنید. یک حرکت گسترده در خارج کشور همراه و در کنار اعتراضات خانواده های زندانیان و مردم آزادیخواه ضروری و فوری است.

جنایتکاران اسلامی بیهوده فکر میکنند با اعدام قطار خیزش انقلابی را متوقف می کنند. جلادان خامنه ای و جمهوری اسلامی تاوان پس خواهد داد.

مرگ بر جمهوری اسلامی  
آزادی، برابری، حکومت کارگری

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست  
۲۹ اردیبهشت ۱۴۰۲ - ۱۹ مه ۲۰۲۳

ماهواره یاه ست  
فرکانس: ۱۲۵۹۴  
پولاریزاسیون: افقی  
سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰  
اف ای سی: ۳/۲

**partow TV**  
**اطلاعیه**

بینندگان عزیز  
از اول اکتبر ۲۰۲۱، کانال ماهواره ای "تلویزیون آلترناتیو شورایی" تلویزیون مشترک نیروهای چپ و کمونیست پخش خود را آغاز می کند.  
از اول اکتبر، تلویزیون پرتو، رسانه تصویری حزب حکمتیست، برنامه های خود را از این کانال پخش می کند.  
بزودی ساعات پخش برنامه هابه اطلاع شما خواهد رسید.

برابری بیقید و شرط زن و مرد در تمام شئون اجتماعی!



گرفته است، اما منصور حکمت از از زاویه کمونیسم و کارگر جامعه سرمایه داری و مناسبات کارمزدی را به نقد کشید و از پراتیک انقلابی طبقه کارگر برای تغییر وضع موجود به نفع خود و سایر زحمتکشان دهها کتاب و مقاله و رساله نوشته است.

او برای اولین بار بعد از مارکس و لنین در جنبش چپ و کمونیستی ایران مارکسیسم را از زیر آوارگرایشات غیر مارکسیستی به نقد کشید و مارکسیسم مارکس و لنین را بار دیگر به جنبش چپ و کمونیستی ایران باز گرداند و به آن افزود.

منصور حکمت نه تنها در جنبش کارگری و سوسیالیستی ایران رهبری موثر و توانا و شناخته شده است، بلکه تعداد زیادی از آثار او نیز به زبانهای عربی، کردی، انگلیسی، سوئدی و آلمانی ترجمه و سرمشق مبارزه دوستداران و همفکران و همزمان او قرار گرفته است. کمونیسم کارگری و احزاب متعلق به این جنبش در عراق در سالهای گذشته، حاصل تلاش چندین ساله او در یک دوره تاریخی معین در این کشور بود.

سال پیش در مکانی با یک جوان عرب زبان فلسطینی مقیم اسرائیل برخورد کردم که برای ادامه تحصیل به آلمان آمده بود. در لحظه اول متوجه یکی از آثار منصور حکمت در کنار من شد، گفت آه منصور حکمت! گفتم می شناسی؟، گفت آره، پدر من دکتر است و ترجمه آثار او را به زبان عربی دارد و خیلی علاقه مند به آثار اوست و نظرات او را دنبال می کند.

منصور حکمت از جمله رهبران و شخصیتی چند وجهی داشت که در عرصه های مختلف مبارزاتی از فلسفه تا تئوری، از سیاست تا فرهنگ، ادبیات و مسائل حزبی و سازمانی، صاحب نظرو دیدگاه انسانی، آزادیخواهانه و کمونیستی، او را به یکی از رهبران لایق و برجسته مبارزه کارگری و کمونیستی تبدیل کرد.

اونه تنها در میان دوستداران و هم حزبیهایش، محبوب و مورد اعتماد بود، بلکه "مخالفین سیاسی" نیز با احترام به او نگاه می کردند. نه تنها در تفصیر و تحلیل و توضیح تحولات در جهان پیرامون، روشن بین، واقع بین، انسان محور، سخنور و در بیان مسائل مهارت خاصی داشت، در عین حال به عنوان رهبر کمونیستی و قاطع، راههای عملی برای تغییر انقلابی وضع موجود را ارائه میداد و در رهبری یک حزب بزرگ خود، قدم به قدم، راههای عملی تغییر در عرصه های مختلف مبارزاتی را روزمره دنبال و رهبری می کرد. اگر یکی از خصلتهای بارز تئوری مارکس، خصلت انقلابی و عنصر تغییر بود، در تئوری ها و نظرات سیاسی منصور حکمت نیز از این خصلت انقلابی و ابزار و عنصر تغییر طبقه کارگر به عنوان عنصر اصلی این دگرگونی انقلابی به نفع طبقه کارگر و زحمتکشان از بر جستگی خاصی برخوردار است.

در واقع، تئوری و سیاست و مبارزه حزبی برای او معنایی جز تغییر و دگرگونی اوضاع کنونی در روند مبارزه نداشت و بیشتر اوقات زندگی خود را به آن اختصاص داد. جمله معروف مارکس که می گوید "فلاسفه تنها جهان را به شیوه های گوناگون تعبیر کرده اند، مسئله اما بر سر تغییر جهان است" مصداق نظرات و تلاش منصور حکمت در عرصه تئوری، سیاست و پراتیک بود.

منصور حکمت در ساختن سه حزب بزرگ و موثر در دوره حیات سیاسی خود در تئوری، سیاست، سازمان و سبک کار نقش درجه اول را ایفا کرد و در تشکیل حزب کمونیست کارگری و رهبری این حزب تا پایان عمرش تلاش همه جانبه ای برای پیروزی این حزب و طبقه کارگر در جدال طبقاتی و سیاسی در ایران انجام داد. "آیا کمونیسم در ایران پیروز می شود" آخرین تلاش او برای امکان پذیری پیروزی کمونیسم در ایران بود. مراجعه به آثار منصور حکمت، کتابها و دست نوشته های او که شامل هزاران برگ می باشد، ضمن تأیید بر موانع و

## منصور حکمت از نگاه من

### در گرامیداشت روز منصور حکمت

سعید یگانه

این یادنامه کوتاه را در ۲۵ ماه مه ۲۰۲۱ به مناسبت روز حکمت نوشتمو در نشریه کنونیست منتشر شد. داریم به ۴ ژوئن روز حکمت نزدیک می شویم. خواستم به این مناسبت مطلب کوتاهی بنویسم و دوباره یادای از این رفیق عزیزو کمونیست انقلابی داشته باشم. در آرشو نوشته هایم به این مطلب برخورد کردم. فکر کردم بهتر است همین یادنامه کوتاه را با مقدمه ای کوتاه و تغییرات بسیار جزئی دوباره در این شماره کمونیست منتشر کنم.

نکته قابل توجه در این رابطه این است که جامعه ایران وارد یک تحول انقلابی و سرنوشت ساز شده است. جنبش های اجتماعی مختلف تلاش برای تغییر و عبور از جمهوری اسلامی را آغاز کرده اند. در این شرایط مراجعه به آثار منصور حکمت بخصوص و مطالب و مقالات تحلیلی سیاسی او در رابطه با تحولات سیاسی ایران از اهمیت زیادی برخوردار است. خواندن آثار منصور حکمت را به آزادیخواهان و فعالین چپ و کمونیست توصیه می کنم.

۲۵ مه ۲۰۲۳

۴ ژوئن، ۱۴ خرداد روز تولد منصور حکمت و روز گرامیداشت و قدردانی از تلاش و زحمات و مبارزه بی وقفه او، و روز یادآوری نقش و جایگاه او به عنوان رهبر، تئورسین و سیاست گذار جنبش کمونیسم کارگری برای آزادی و برابری و سوسیالیسم است. بدون تردید منصور حکمت به عنوان یکی از رهبران جنبش کمونیستی و کارگری و تأثیرگذار در دوره حیات سیاسی خود، می توان از زوایای مختلفی مورد قضاوت قرار داد، اما برای دوستداران و هم نسله های او، که او را به عنوان رهبر لایق و توانای جنبش کمونیستی کارگری میشناسند و نظرات، سیاستها و پراتیک انقلابی منصور حکمت را از نزدیک تجربه و با آن آشنایی دارند، با وجود اینکه ۲۱ سال از مرگ گرانان پایان بهای این رفیق عزیز می گذرد و تغییرات زیادی در جامعه ایران و جهان پیرامون صورت گرفته است، اما نگرش کمونیستی، داده ها، تئوری ها و تحلیلهای پایه ای او از سیر و وقایع سیاسی و تحولات در ایران و منطقه و جهان و بعد جنگ سرد و فروپاشی بلوک شرق، قابل اتکا و چراغ راهنمای امروز تلاشگران مبارزات کارگری و کمونیستی بخصوص در ایران و منطقه می باشد. بدون شک نقش و جایگاه شخصیتها ی موثر در جنبشهای اجتماعی مختلف در دوره های تاریخی مبارزاتی جوامع بشری غیر قابل چشم پوشی و در ذهنیت جامعه همیشه ماندگار و سرمشق مبارزه خواهند بود.

اغراق نیست که بگویم، منصور حکمت در دوره ای که زندگی کرد، در حیات سیاسی و فعالیت خود، یکی از شخصیتهای بسیار موثر در بیداری و خودآگاهی انسانها و جنبشی بود که به آن تعلق داشت و انسانهای زیادی از او آموختند و یاد گرفتند و همفکر او شدند و تلاش می کنند راه او را ادامه دهند. اگر دویست و خورده ای سال بعد از مرگ مارکس امروز حقانیت تئوریهای مارکسیستی و ضد سرمایه داری و انقلابی او در مقابل مصائب و مشقات جامعه سرمایه داری، بیش از پیش بر همگان عیان شده و حتی مفسرین بورژوازی نیز نمی توانند آن را نادیده و انکار کنند، تئوری ها و نظرات مارکسیستی و ضد سرمایه داری و انقلابی منصور حکمت نیز به عنوان یکی از رهبران جنبش کمونیسم کارگری در دوره تاریخی که به سر می برد، بعد از نزدیک به ۲۱ سال از مرگ او، درست بودن و حقانیت نظرات و نقش و جایگاهش در جنبش کمونیستی کارگری در ایران بخصوص و در منطقه را کم دست گرفت.

از زوایای مختلفی مناسبات سرمایه داری و کارمزدی مورد نقد قرار





## در باره در لیست تروریستی قرار گرفتن سپاه پاسداران

سیاوش دانشور

آیا شورای اتحادیه اروپا سپاه را بعنوان یک سازمان تروریستی در فهرست خود قرار میدهد؟ دولت‌های اروپا تا امروز سیاست «دیالوگ انتقادی» را دنبال کردند و توجیه آن حفظ رابطه و انتقاد به حکومت بوده است و مدعی شدند که «بدون رابطه نمیتوان موثر بود». «معنای واقعی سیاست» دیالوگ انتقادی» نمایندگی منافع کمپانیهای غربی، سکوت در قبال سرکوب خشن، مامشات با رژیم اسلامی و دادن امکانات وسیع به جریان‌های اسلامی در قلب اروپا بوده است. در این میان «حقوق بشر» ابزاری سیاسی و دفاعی و اهرم فشار برای مقابله با زیاده روی جمهوری اسلامی بوده است.

تا لحظه کنونی نه دولت آمریکا و نه اتحادیه اروپا سیاست سرنگونی جمهوری اسلامی را ندارند. هنوز برجام و معامله با حکومت و ملاحظات منطقه ای و رقابتهای جهانی سایه سنگینی بر سیاست دولت‌های آمریکا و اروپا دارد. تغییر سیاست دولت‌های غربی تنها زمانی ممکن است که بپذیرند زیر فشار مبارزه انقلابی جمهوری اسلامی در ایران پایان یافته است.

در این مقطع هم چشم دول غربی عمدتاً به نیروهای درون حاکمیت و حفظ ساختاری است که در حال حاضر نظام را سرپا نگاه داشته است. تغییر شیفت سیاست ماکرو در غرب تابع این منافع است و نه تقاضای اپوزیسیون راست ایران.

ما می‌گوئیم مبارزه با تروریسم کار دولتهایی نیست که خود یک منشاء تروریسم اند. تروریسم یک رکن اساسی جنبش اسلام سیاسی است و همکاری و هم جنتی و تقویت بخشی از این جنبش سیاست تاکتونی دولت‌های غربی بوده است. تقسیم جنبش اسلامی به «میانه رو و پرو رفرم» و «فاندانمنتالیست» درجه توجیه این سیاست بوده است.

رضا پهلوی بارها گفته است که «امنیت» جامعه توسط همین سپاه و همین بسیج و همین نیروهای نظامی و انتظامی تأمین میشود و نهایتاً خواهان تحریم افرادی از سپاه است. جناح اصلاح طلب و جمهوریخواه و مشخصاً حامد اسماعیلیون از تروریست خواندن سپاه و حفظ ارتش سخن میگوید. اما هر دو جناح، با کدهای طرح شده و بحث‌های جلسات در هالیفاکس و مونیخ و بروکسل، پروژه اوکراینزه کردن سیاست ایران در دوره انقلابی حاضر را دنبال می‌کنند.

ما همواره مخالف سیاست تحریم تجاری بعنوان یک سیاست کشتار جمعی مردم بودیم. در عین حال از تحریم سازمان‌های تروریستی و عوامل حکومتی و عدم همکاری با آنان، مخالفت با دادن خدمات و سرویس‌های تکنولوژیکی جاسوسی و سرکوب توسط دولتها و کمپانیهای غربی به رژیم ایران بودیم.

نه فقط سپاه بلکه کلیت حاکمیت اسلامی در ایران مبتنی بر تروریسم است. ما کمونیست‌ها چهار دهه بر این واقعیت پای فشرديم و خواهان بستن سفارتخانه‌های رژیم و قطع روابط سیاسی و دیپلماتیک با حکومت تروریستی اسلامی بودیم. اپوزیسیون راست هنوز امیدش به اصلاح طلبان و امثال موسوی است.

به این اعتبار تحریم سپاه پاسداران و برسمیت شناسی آن بعنوان یک مافیای تروریستی با مخالفت ما روبرو نمیشود. سیاست ما انحلال سپاه پاسداران و کلیه نهادهای مافوق مردم است. در عین حال معامله و بند و بست این نیروها با بخشی از حکومتی‌ها و طرح این سیاست برای حفظ اساس نظم کنونی و دستگاه سرکوبش در دوره انقلابی از چشم ما دور نمی‌ماند.

۲۱ فوریه ۲۰۲۳

## منصور حکمت از نگاه من در گرامیداشت روز منصور حکمت

سعید یگانه

مشکلات پیش روی مبارزه و ناملایمات دنیای موجود، خوشبینی و امید به تغییر دنیای نابرابر موجود در لابلای نظرات اوموج می زند. «برنامه یک دنیای بهتر» برنامه حزبی که خود رهبری آن را به عهده داشت و

مبنای فعالیت امروز حزب حکمتیست می باشد، یکی از آثار بسیار مهم و با اهمیت و مانیفیست دوره زندگی سیاسی و مبارزاتی منصور حکمت بود. او در مقدمه برنامه یک دنیای بهتر، خوشبینی و امید به تغییر دنیای کنونی علاوه بر موانع، مصائب و مشقات بسیار و ایده‌های انحرافی و تقلیل‌گرایانه، به نفع اکثریت مردم کارگرو زحمتکش را این چنین بیان می‌کند.

«تغییر جهان و ایجاد دنیایی بهتر یک امید و آرمان همیشگی انسانها در طول تاریخ جامعه بشری بوده است. غلامرغ رواج ایده‌هایی که هر یک به نحوی علاج ناپذیری و مقدر بودن وضع موجود را تبلیغ میکنند، زندگی واقعی و عمل روزمره توده‌های وسیع مردم همواره حاکی از یک امید و باور عمیق به امکان‌پذیری و حتی اجتناب ناپذیری یک آینده بهتر است.»

این امید که دنیای فردا می‌تواند از محرومیتها و مشقات و کمبودها و زشتی‌های دنیای امروز رها باشد، این اعتقاد که عمل امروز انسانها، چه جمعی و چه فردی، در تعیین چنانچه دنیای فردا می‌شود، یک نگرش ریشه دار و قدرتمند در جامعه است که زندگی و حرکت توده‌های وسیع مردم را جهت میدهد. کمونیسم کارگری قبل از هر چیز به اینجاست دارد، به امید و اعتقاد انسانهای بی‌شمار و نسل‌های پی در پی به اینکه ساختن یک آینده ای بهتر، یک جهان بهتر، به دست خود انسان، ضروری و میسر است.»

دنیای امروز مبارزه کمونیستی و کارگری ما و همه آزادیخواهان برای تغییر دنیای کنونی و ساختن دنیایی بهتر بسیار بیشتر از گذشته به وجود منصور حکمت نیاز دارد و جای خالی او در هر قدم از این مبارزه بسیار خالی و احساس می‌شود. او در میان ما نیست اما آثار و نظرات او، همیشه چراغ راهنمای ما در هر قدم از مبارزه برای آزادی و رهایی از قید و بند نظام استثمارگر سرمایه داری و ساختن دنیایی بدون ظلم و ستم و تبعیض و نابرابری و برقراری سوسیالیسم است.

در گرامیداشت روز منصور حکمت یاد این رهبر بزرگ جنبش کمونیسم کارگری را گرامی میدارم و با یکی از جملات پر معنا و انقلابی، در یکی از آثار معروف او به نام «مارکسیسم و جهان امروز»، این یاد نامه کوتاه را به پایان می‌رسانم.

«اساس سوسیالیسم انسان است، چه در ظرفیت جمعی و چه فردی. سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است. جنبشی است برای خلاص کردن انسانها از اجبار اقتصادی و از اسارت در قالبهای از

پیش تعیین شده تولیدی. جنبشی است برای از بین بردن طبقات و طبقه بندی انسانها. این شرط حیاتی شکوفایی فردی است.»

۲۵ مه ۲۰۲۱

نه به حجاب اسلامی، نه به آپارتاید جنسی!



میپرسید اگر مجازات اعدام نباشد باید با قاتلین چه کرد. کشتن قاتل تکرار قتل است. ما میگوئیم این یک کار را بهیچوجه نمیشود کرد. اینکه چه کار دیگری میشود کرد بستگی به فلسفه قضایی جامعه دارد. در همین سیستم موجود میتوان قاتل را حبس کرد. در یک جامعه ایده آل شاید بشود مردم را از تکرار جرم توسط او مصون کرد، تلاش کرد قبح کارش را به او فهماند، بدون آنکه حتی لازم باشد آزادی اش را هم از او سلب کنند. در یک جامعه ایده آل شاید بشود کاری کرد که قتل عمد رخ ندهد.

خاوران: حزب کمونیست کارگری ایران با پاسداران و شکنجه گرانی که در درگیریها اسیر می شوند، در صورتیکه ثابت شود دستشان بخون مردم آلوده است چگونه رفتار خواهد کرد؟

منصور حکمت: در قوانین مورد نظر ما اعدام و حبس ابد نیست. قاعدتا این آدمها را باید به حبس محکوم کرد و رویشان کار کرد شاید بتوانند روزی به آغوش جامعه برگردند و کاری کنند مردم ببخشندشان.

خاوران: با اعدام نکردن قاتل، عدالت درباره ی خانواده مقتول چگونه اجراء می شود؟

منصور حکمت: اینکه خانواده مقتول صاحب خون است، و عدالت، طلبی است که خانواده مقتول از جامعه دارد، یک مفهوم عشیرتی و عقب مانده و غیر قابل پذیرش است. غم و داغ خانواده مقتول انکار ناپذیر است. اما اگر اعدام بخاطر تسکین غم و داغ افراد مجاز باشد، چرا خود قتل به بهانه احساساتی مشابه مجاز نیست؟ آیا کسی که توسط دیگری تحقیر و خرد شده، خانه خراب شده، معتاد شده، ورشکست شده، در بدر شده، میتواند برای تسکین احساس تلخ درونی خود دست به قتل او بزند؟ آیا دولت آدمکش مجازی است که افراد برای گرفتن انتقام به آن مراجعه میکنند؟ آیا عدالت مفهومی است که جای انتقام عشیرتی نیست است؟ در مورد مفهوم عدالت شاید باید در فرصت دیگری بیشتر حرف زد. این مقوله آنقدرها که بعضی فکر میکنند ابژکتیو و ماوراء طبقاتی نیست.

خاوران: آیا با لغو مجازات اعدام، درجه ی جنایت در جامعه بالا نخواهد رفت؟

منصور حکمت: خیر. برعکس. همانطور که گفتیم همان اول کار جلوی یک لیست بالابند قتل های دولتی گرفته میشود. دادگستری و دولت آمریکا پرکارترین قاتل حرفه ای آن کشور است. لغو مجازات اعدام مانند اینست که ۱۵۰ قاتل سریال یکجا دستگیر شده باشند! ثانیاً، جامعه ای که کشتن انسانها را مطابق قانون مجاز کرده باشد هرگز نمیتواند جلوی تکرار همین عمل در میان اهالی را بگیرد. لغو حکم اعدام و اعلام ارزش جان آدمی، اولین گام در مبارزه با فرهنگ آدمکشی در جامعه است. آمارهای رسمی هم به روشنی نشان میدهد که در هلند و اسکانندیناوی و انگلستان که مجازات اعدام ممنوع است، آمار قتل (به نسبت جمعیت) به مراتب کمتر از آمریکا است.

خاوران: بنظر شما مجازات جنایتکاران برای رسیدن به چه هدفی باید انجام گیرد؟

منصور حکمت: نمیدانم آیا اصولاً کلمه مجازات کلمه خوبی برای یک سیستم قضایی انسانی هست یا خیر. بنظر من، بحث پیشگیری و از بین بردن زمینه های اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی جنایت به کنار، اولاً، جامعه باید با حداقل اعمال خشونت و با حداقل سلب اجازه زندگی متعارف از مجرمین، خود را از تکرار جرم توسط آنها مصون کند. ثانیاً، کمک کند این افراد متحول بشوند. بنظر من مجازاتهای

## مجازات اعدام شیخ ترین شکل قتل عمد

است

### مصاحبه با فصلنامه خاوران، نشریه سازمان دفاع از

### زندانیان سیاسی ایران

#### مقدمه خاوران

مطلبی که در زیر ملاحظه میکنید پاسخهای منصور حکمت به پرسشهای ما در زمینه لغو اعدام است که در اصل برای کتاب ناتمام «چرا لغو اعدام» در نظر گرفته شده بود. که به لحاظ آماده نبودن کتاب مذکور فعلاً آن را در خاوران درج میکنیم. با سپاس از منصور حکمت که با وجود گرفتاریهای بسیار به درخواست ما پاسخ مثبت داد.

خاوران: حزب کمونیست کارگری در اسناد خود به صراحت از ضرورت لغو اعدام سخن گفته است، اما شما از چه زاویه و نگاهی و با چه تحلیلی لغو اعدام را ضروری میدانید؟

منصور حکمت: مجازات اعدام اسم دولتی کلمه کشتن است. افراد یکدیگر را به قتل میرسانند، اما دولتها افراد را به "اعدام" محکوم میکنند. خواست لغو اعدام و ممنوعیت قتل نفس هردو از یکجا مایه میگیرد، مخالفت با کشتن عامدانه و آگاهانه و با نقشه قبلی کسی توسط کس دیگر. اینکه یکسوی این قتل یک دولت و یا یک مرجع فائحه سیاسی است کوچکترین تغییری در این واقعیت نمیدهد که ما با یک قتل عمد طرفیم. مجازات اعدام و قیاحانه ترین و کثیف ترین شکل قتل عمد است. چون یک نهاد سیاسی، جلوی روی مردم، با اعلام قبلی، از قول جامعه، در نهایت حق بجائی، در نهایت خونسردی، تصمیم به کشتن کسی میگیرد و روز و ساعت واقعه را هم اعلام میکند.

خاوران: با لغو مجازات اعدام، جنایتکاران قاتل چگونه باید کیفر ببینند؟

منصور حکمت: سوال جالبی است. با لغو مجازات اعدام همان اول جلوی یک قاتل عمده، یعنی دولت، که هیچوقت هم بخاطر قتل نفس کیفر ندیده است گرفته میشود. سوال شما این تصور را بوجود میآورد که گویا مجازات اعدام را برای کیفر دادن قاتلین ابداع کرده اند. یا گویا این مجازاتی است که قانونگذاران پس از غور و تفحص با جرم قتل متناسب یافته اند. اما مجازات اعدام ربطی به مساله قتل در جامعه ندارد. تاریخ خودش را دارد. حقوق و قدرت دولتهای امروز در برابر اهالی، امتداد حقوق و قدرت دولتهای دیروز است. وقتی آغا محمد خان قاجار تمام اهالی یک شهر را کور میکند و میکشد، مشغول کیفر دادن کسی بخاطر جرمی نیست. وقتی اسب دزد را در آمریکا دار میکنند و یا سرباز فراری را اعدام میکنند، مشغول کیفر دادن کسی به معنی قضایی کلمه نیستند. بلکه صاف و ساده دارند مردم را سرچایشان مینشانند، دارند مردم را به تمکین به مقررات و دستورات وادار میکنند. دارند ارباب میکنند. دارند حکومت میکنند. در همین جهان امروز اعدام فقط کیفر قتل نیست، کیفر سکس غیر مجاز، کیفر احتکار، کیفر اعتقاد به مرام اشتراکی، کیفر تشکیل احزاب مخالف، کیفر طنز کردن خدا و پیغمبر و امام، کیفر همجنس گرایی و غیره هم هست. کشتن اهالی، از ابتدای جامعه دارای حاکمیت، یک رکن به تسلیم کشیدن مردم بوده و هنوز هم هست. تاریخچه مجازات اعدام نه در مباحثات حقوق قضایی درباره جنایت و مکافات، بلکه در تاریخ حاکمیت طبقاتی و دولت است. امروز هم دولت ها شهروندانشان را میکشدند. باید جلوی این را گرفت.

اعضای سازمانهای چریکی که به دولتها اعلام جنگ داده اند و در عملیات نظامی دستگیر میشوند باید از حقوق اسرای جنگی برخوردار باشند. قوانین موجود باید عمیقاً به نفع این اسرا تغییر کند. بنظر من زندانی کردن فرد و جلوگیری از زندگی متعارف او باید ممنوع باشد. اما میتوان قوانینی وجود داشته باشد که تا پایان جنگ و یا تا مطمئن شدن از عدم تمایل فرد به شرکت مجدد در جنگ، مانع الحاق مجدد او به ارتشش بشود. و بالاخره قطعاً مقوله ای به اسم جنایت جنگی داریم. این مقوله باید جدا باز تعریف بشود و تمام مواردی که نیرویی افراد غیر نظامی و وسائل زیستی و رفاهی آنها را مورد تعرض قرار میدهند را در بر بگیرد. در این سالهای اخیر شاهد وسیعترین جنایات جنگی توسط ارتشهای دول غربی و محلی در کشورهای مختلف، مانند عراق و یوگسلاوی، بوده ایم. جنایتکاران جنگی بسیاری امروز بعنوان رهبران و قهرمانان ملی و فرزندان وطنپرست ملل و اقوام مختلف راست راست میان مردم راه میروند که میبایست شاهد محاکمه آنها باشیم.

خاوران: علل اصرار و اشتیاق مسلمانان بنیادگرا به کشتن و حذف فیزیکی مخالفان خود بویژه دگراندیشان را در چه میدانید؟

منصور حکمت: اینکه آیا کسی اول به آدمکشی علاقمند میشود و بعد مسلمان بنیادگرا میشود و یا برعکس اول مسلمان بنیادگرا میشود و بعد به حکم شرع انور آدمکش میشود، چیزی است که من ابزار تحقیق و موشکافی در آن را ندارم. ولی مطمئنم پاسخ یکجایی در همین یک جمله شما نهفته است.

\*\*\* این مطلب در شماره ۷ فصلنامه خاوران، نشریه سازمان دفاع از زندانیان سیاسی ایران، پائیز ۱۳۷۹ با عنوان "چرا مجازات اعدام؟ نگاه منصور حکمت به مقوله لغو اعدام" بچاپ رسیده است.

به نقل از انترناسیونال هفتگی شماره ۲۶ - ۱۳ آبان ۱۳۷۹ - ۳ نو

"... نیروهایی که حکومت اسلامی را بزیر میکشند زیر بار یک رهبری واحد نخواهند رفت.  
این بار خاصی و خوشبختی انقلاب ۵۷ را نخواهیم دید. جنبش سرنگونی طلب اینبار به مراتب محترم تر خواهد بود.  
احزاب و نیروهای سرنگونی طلب در عین تنش حد با یکدیگر وارد این جدال میشوند.  
اینها آلترناتیو حکومتی واحدی را نمیپذیرند. همه نیروها سقوط رژیم اسلامی را به مثابه گامی برای ایجاد نظام سیاسی مطلوب خود نگاه میکنند. و جدال واقعی میان این آلترناتیوها و افقها، میان جنبشهای طبقاتی و پرچمهای حزبی مختلف با پیشروی جنبش سرنگونی طلبی بیشتر اوج میگیرد.  
بنظر من با سرنگونی رژیم اسلامی، جنبش توده‌ای شدت در درون خود پلاریزه میشود. صفتی جدیدی، له و علیه پرچم کارگری- کمونیستی در جامعه پدیدار میشود. ما درصاف مقدم جنبش سرنگونی طلبی در این میدان حضور پیدا میکنیم، اما نگاهمان به انجاست. به انقلاب کارگری..."

« منصور حکمت »

کاتال تلگرامی یک دنیا بهتر



## مجازات اعدام شیخ ترین شکل قتل عمد

است

### مصاحبه با فصلنامه خاوران، نشریه سازمان دفاع از

#### زندانیان سیاسی ایران

انتقامی و عبرت آموزانه باید لغو بشود. باید بجایی برسیم که جامعه چنان از خشونت فاصله بگیرد که به موارد خشونت مثل بلایای طبیعی رفتار کند، به کمک قربانیان بشتابد، سعی کند از موارد بعدی آن جلوگیری کند و یا خسارات آن را به حداقل برساند، بی آنکه کسی را به رسم قربانی در آتشفشان بیاندازد و یا به دریا تازیانه بزند.

خاوران: اگر لغو مجازات اعدام، یکی هم به دلیل ارزش نهادن به گوهر انسان و حق حیات آن است، در آنصورت خواست آزادی زندانیان سیاسی ای که در اثر عملیاتشان انسانهای بی گناه کشته شده اند، چگونه باید دنبال شود؟ مثلاً با مبارزی که در اثر بمب گذاری در اتوبوس و یا مکانی دیگر، موجب کشته شدن یک یا چند نفر شده است چه باید کرد؟ آیا باید خواستار آزادی او شد؟

منصور حکمت: من آدمی را که در اتوبوس و هواپیمای مردم بمب گذاشته باشد مبارز اطلاق نمیکنم. متأسفانه در یک دوره معین این روش در برخی جنبشهای حق طلبانه باب شد و بعد توسط برخی جنبشهای ارتجاعی به یک هنر آدمکشی تحت لوای سیاست ارتقاء داده شد. یک فرمول کلی در قبال اینها ندارم. بستگی به دولتی دارد که اینها با آن در حال جنگ هستند. بستگی به موازین قضایی کشور مربوطه و مشروعیت حقوقی آن دارد. بستگی به شرایط وقوع این اتفاق دارد. بنظر من پرونده بمببیت هایی که به اهداف غیر نظامی حمله کرده اند یک پرونده سیاسی نیست. ممکن است دلایل مخفیه سیاسی برای وقوع جرم ارائه و بشود و حتی ترتیب اثر داده بشود، اما خود پرونده یک پرونده سیاسی نیست. منتهی یک چیز را یادآوری کنم. اگر بنا باشد کسانی را که با بمب به مردم غیر نظامی حمله کرده اند بگیرند و محاکمه کنند، هفت هشت رئیس جمهور و نخست وزیر غربی و صدها بوروکرات و ژنرال و فرمانده آمریکایی و اروپایی در ردیف اول متهمین خواهند بود. من فرقی میان تیموتی مک وای که در اوکلاهما آن جنایت عظیم را کرد با کسانی که بمب روی پناهگاه و خانه و مدرسه مردم بغداد انداختند و آن همه را کشتند نمی بینم.

خاوران: اگر جواب منفی است در آنصورت چه قدرتی باید او را محاکمه کند؟

منصور حکمت: قدرتی که از نظر حقوقی مشروعیت داشته باشد. حکومت های استبدادی بنا به تعریف مشروعیت ندارند. بنظر من برای محاکمه ژنرال شوارتسکف ها و بن لادن ها میتوان در همین جهان بورژوازی هم دادگاههای قابل قبولی یافت یا ایجاد کرد.

خاوران: اگر جواب مثبت است در آنصورت تعریف شما از زندانی سیاسی چیست؟

منصور حکمت: بنظر من دو مقوله زندانی سیاسی و اسیر جنگی وجود دارد که هر دو به این بحث مربوط است. زندانی سیاسی کسی است که بجرم مخالفتش با دولت مربوطه زندانی شده است. زندانی سیاسی بنا به تعریف باید آزاد بشود. محاکمه ای نباید در کار باشد. کسی که علیه حکومتی فعالیت سیاسی کرده است اصلاً نباید دستگیر بشود. اسیر جنگی هم جرمی نکرده و نباید از حقوق مدنی خود و از جمله آزادی خود محروم بشود. و این فقط موضوعی میان دولت ها نیست. بنظر من

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست [www.hakmatist.org](http://www.hakmatist.org)

خرید ۱۵۰۰ تومان ۴۱۳۹۹ تومان ۲۰۲۳

**گرامیداشت منصور حکمت**

رهبر جنبش  
کمونیسم کارگری  
۱۹۵۱-۲۰۰۲

"هیچ زمان چون امروز شرایط برای تبدیل تئوری کمونیسم به یک نیروی معادی اجتماعی فراهم نبوده است. هیچ زمان چون امروز طبقه کارگر به کمونیسم و فقط به کمونیسم نیاز نداشته است. و هیچ زمان چون امروز شرایط معادی برای تبدیل کمونیسم به زنده ترین و قدرتمندترین جریان اعتراضی سیاسی نبوده است. رشد و توسعه سرمایه داری، قدرت حاکم بورژوازی در تولید، در طبقات اجتماعی، و در تکنیک سیاسی تمام جریانی که کارگران را از انقلاب طبقه کل نظام موجود برحذر میدارند، همه گویای بناتسلل نظامی کمونیسم کارگری است."

مرگ بر جمهوری اسلامی!





از روستای رشنش به طرف روستای دادانه کمانگر به راه افتادیم، روز بعد را نزدیک دادانه مخفی شدیم. طرفهای ظهر از مخفیگاه بیرون آمده و به میان مردم که در زمینهای کشاورزیشان کار میکردند رفتیم، طولی نکشید که جمعیت وسیعی اطراف ما حلقه زد و چند ساعتی به بحث و گفتگو با مردم مشغول بودیم. قبل از تاریکی هوا از مردم جدا شدیم و جهت رعایت مسائل

امنیتی اعلام کردیم که به یک منطقه دیگر میرویم. بعد از جدایی از مردم و با تاریک شدن هوا روستا را دور زده و به خانه یکی از رفقا که از قبل هماهنگ کرده بودیم رفته آنجا مخفی شدیم. در طول چند روزی که در آن خانه بودیم رفیق محمد بطور جداگانه با چندین نفر از رفقای تشکیلات مخفی ملاقات کرده و تقریباً تمامی تراکتها و نشریات حزبی هم جهت پخش و تکثیر از طریق این رفقا به شهرهای بزرگ و مناطق کارگری فرستاده شد.

بعد از سه روز اقامت در دادانه کمانگر آنجا را به قصد دیدار با مردم در اطراف روستاهای کلاته و بز ان ترک کردیم. یک روز در آن منطقه بودیم و با تاریک شدن هوا تصمیم گرفتیم دوباره به رشنش که در آن روزها مرکز مطمئنی برای استراحت و همچنین ارتباط با دیگر مناطق بود برگردیم. آسمان شب صاف بود و تا فاصله چند متر اطراف خود را به خوبی میدیدیم. سرگرم گفتگو در مورد رویدادهای چند روز گذشته بودیم که به نزدیکی رشنش رسیدیم. از اینجا دیگر فاصله ها را زیاد کرده و با آرایش نظامی مسیر را ادامه دادیم. سگهای روستا طبق معمول قشقرقی به راه انداخته بودند آن سرش ناپیدا. سمت راست مسیری که از آن میرفتیم به کوههای پشت جاده مریوان سنج منتهی میشد و سمت چپ هم دره ای پوشیده از گیاه و درخت. نرسیده به روستا صدای پارس سگها ناگهان بیشتر و مداومتر شد؛ ما به خیال اینکه دلیل این پارسهای غیرعادی نزدیک شدن ما به روستا است سعی کردیم با ایجاد کمترین سر و صدا به سرعت خود را به روستا برسانیم. در همین حین و در میانه پارس آزاردهنده سگها نعره کسی که معلوم بود زیاد از ما دور نیست و ایست می داد را شنیدیم. به محض شنیدن کلمه ایست، با سرعت از طرف چپ جاده به سوی دره پوشیده از درخت پایین رفته و سعی کردیم در جهت مخالف مسیر روستا از آنجا دور شویم. سگها از پارس کردن باز ایستاده بودند و صدای گوشخراش رگبار پی در پی مسلسل دره را در بر گرفته بود.



نمی دانم چند دقیقه در آن دره تاریک و در میان رگبار گلوله ها به عقب برگشتیم اما آنقدر رفته بودیم که صدای تیراندازی مقداری دورتر بنظر میرسید و فاصله بین رگبارها هم بیشتر شده بود. این موضوع نشان میداد که باید مقدار قابل توجهی از مرکز تجمع نیروهای رژیم دور شده باشیم و شاید میتوانستیم گوشه امنی پیدا کرده برای چند لحظه نفسی تازه کنیم و نقشه ای برای خلاصی از مخمصه بکشیم. با خودم فکر کردم بهتر است

چند دقیقه دیگر به راه ادامه بدهیم بعد موضوع را با رفیق محمد در میان بگذارم و اگر او هم مناسب دید استراحت کوتاهی بکنیم و چاره ای بیاندیشیم.

ادامه دارد...

## دهه چهلای سالهای شست ، با احترام به یاد و خاطره عزیز رفیق محمد امین نجاری (آویهنک)

سردار قادری

بعد از شکست انقلاب 57 و سر کار آمدن اسلامپها، مردم کردستان تن به حاکمیت رژیم اسلامی ندادند و سالها طول کشید تا رژیم توانست حاکمیت خود در کردستان را با زور ترور و زندان و شکنجه و اعدام و کشتار هزاران انسانی که تنها جرمشان تلاش و مبارزه برای آزاد زیستن بود تثبیت کند. مدت چند سال بخش وسیعی از کردستان آزاد بود و به دست مردم و جریانات سیاسی و بطور مشخص کومله اداره میشد. بعد از حمله همه جانبه رژیم و کنترل شهرهای بزرگ، مبارزین و جریانات سیاسی به مناطق مرزی تر عقب نشینی کرده و از آنجا مبارزه بر علیه حاکمیت را سازمان میدادند.

ما به این مناطقی که خارج از کنترل رژیم بود منطقه آزاد و به مناطق تحت کنترل رژیم منطقه اشغالی میگفتیم. همه تلاش رژیم کنترل مناطق آزاد بود و به همین دلیل بخش زیادی از وقت و انرژی کومله و حزب کمونیست صرف جنگ مداومی میشد که رژیم برای اشغال این مناطق بر ما تحمیل میکرد. خارج از این جنگ مداوم تحمیلی قسمت عمده کار ما در آن دوره ارتباط با مردم مناطق اشغالی و سازمان دادن آنها از طرق گوناگون منجمله فرستادن تیمهایی برای ترویج و سازماندهی به این مناطق بود. اسم این تیمها را هم دسته سازمانده گذاشته بودیم و محل فعالیت هر تیم نیز مناطقی بود که با مردم و جغرافیای آن آشنایی داشتند.

خرداد ماه سال ۱۳۶۳ واحدهای دسته سازمانده خود را آماده میکردند که پیش از واحدهای رزمی به مناطق تحت اشغال بروند. تیم ما متشکل از سه نفر بود. رفیق محمد امین نجاری مسئول واحد، استاد حسن بیساران و من (سردار قادری). هفته اول خرداد بود و هوا آفتابی. با کوله پشتی های پر از نشریات و جزوه و تراکت از چهل چشمه به طرف منطقه ای که محدوده فعالیت ما بود به راه افتادیم. هوا داشت تاریک میشد که به ورودی روستای هواره گرمه رسیدیم. با یکی از اهالی روستا همراه شده و شب را هم به اصرار او مهمانش شدیم. از قارچهایی که در طول روز جمع کرده بود شام خوشمزه ای مهیا کردند و بعد از خوردن شام تعدادی از اهالی روستا که از حضور ما مطلع شده بودند به آنجا آمدند و تا پاسی از شب به بحث و گفتگو در مورد مسائل روز و تحولات ایران و کردستان گذشت.

سخنگوی تیم ما رفیق محمد بود که با زبانی ساده از درد و رنج و مصائبی که بر مردم تحمیل میشد و در عین حال راه رهایی از وضع موجود حرف میزد. صبح روز بعد کمی دیر از خواب بیدار شدیم، صبحانه مفصلی برایمان تهیه کرده بودند و یکی دوساعت بعد از صرف صبحانه از صاحب خانه تشکر کرده و به راه خود ادامه دادیم. با ورود به مناطق تحت اشغال رژیم تصمیم گرفتیم شبها به مسیر ادامه بدهیم و روزها را در جایی مخفی شویم. در طول مسیر به هر روستایی که می رسیدیم غذای مختصری برای روز بعد تهیه میکردیم. بعد از چند روز به روستای رشنش از منطقه کلاترزان سنج رسیدیم، کار اصلی واحد ما از اینجا شروع میشد. مسئولیت تماس با تشکیلات مخفی بعهد رفیق محمد بود و کار ترویج و پخش تراکت و نشریه های حزبی و جمع آوری کمکهای مالی را هم هر کدام از ما در حد توان انجام میدادیم.

کارگر، معلم بپاخیز، برای رفع تبعیض !



نوشت: «بعد از کشتن مجید، برادرش محسن کاظمی رو چند دقیقه پیش بازداشت کردند.»

محمد هاشمی همچنین در روز یکشنبه ۳۱ اردیبهشت ماه خبر از

بازداشت دو برادر و خواهر زنده یاد مجید کاظمی داد.

### اعتصاب غذای زندانیان قزلحصار در اعتراض به افزایش اعدام ها

بنابر گزارش منتشرشده، در پی اعدام رو به افزایش زندانیان در زندان های ایران، تعدادی از زندانیان سالن ۲ قزلحصار دست به اعتصاب غذا زدند. روزیکشنبه ۳۱ اردیبهشت ماه ۱۴۰۲، جمعی از زندانیان سالن ۲ زندان قزلحصار، در اعتراض به افزایش اعدام ها دست به اعتصاب غذا زدند. آنها در اعتراض به افزایش اعدام ها و نگرانی از آن، با خودداری از تحویل گرفتن غذای زندان دست به اعتصاب زدند.

### تداوم تجمعات خانواده های زندانیان محکوم به اعدام مقابل مراجع قضایی / ماموران به معترضان یورش بردند

در تداوم تجمعات خانواده های زندانیان محکوم به اعدام، روز چهارشنبه ۲۷ اردیبهشت ۱۴۰۲ نیز تجمع مقابل ساختمان مرکزی قوه قضاییه ادامه داشت. بر اساس گزارش منابع آگاه، ماموران با یورش به تجمع کنندگان آنها را مورد ضرب و شتم قرار داده و چند نفر را بازداشت کردند. خانواده های زندانیان محکوم به اعدام در پی تجمعات مستمر خواهان توقف اجرای حکم اعدام عزیزان خود هستند.

### حکم قصاص محمد قبادلو در دیوان عالی تأیید شد

وکیل محمد قبادلو گفت با وجود آنکه اعاده دادرسی برای پرونده اعدام موکلش هنوز در دیوان عالی مفتوح است اما اعاده دادرسی درمورد پرونده قصاص که در دادگاه کیفری یک استان تهران، حکم بدوی داده شده بود، رد شده است. او گفت به گذشت خانواده مامور کشته شده برای قصاص امیدواریم.

محمد قبادلو جوان بیست و سه ساله، یکی از بازداشت شدگان خیزش انقلابی ایران است که متهم به قتل یک مأمور پلیس و مجروح کردن پنج مأمور دیگر به علت زیر گرفتن ماموران یگان ویژه شده است.

گفته شده است که از آغاز بازداشت تا زمان دادگاه وکیل وی هیچ دسترسی به پرونده و مدارک او نداشته است. دادگاه هم بدون حضور وکیل برگزار شده است و در بین مدارک، هیچ تصویری از محل جرم، مدارک پزشکی قانونی و دیگر مدارکی که روال یک دادگاه در مورد تصادف است، وجود نداشته است.

### تجمع کارگران معدن چادرملو در استان یزد

طبق گزارش های منتشر شده در برخی رسانه ها، روز جمعه ۲۹ اردیبهشت کارگران معدن سنگ آهن چادرملو در استان یزد، در اعتراض به عدم رسیدگی به مشکلات صنفی و حقوق عقب افتاده خود اقدام به برپایی تجمع اعتراضی کردند.

### اعتصاب کارگران شرکت جهان پارس شاغل در پتروشیمی صدف

روز دوشنبه اول خردادماه ۱۴۰۲ کارگران شرکت جهان پارس شاغل در پتروشیمی صدف در اعتراض به وعده های دروغین کارفرما مبنی بر افزایش حقوق ۵۰ درصدی اعتصاب کرده و دست به تجمع زدند. کارفرما به کارگران اعلام کرده بود که دستمزدها را ۵۰ درصد افزایش خواهد داد و به همین دلیل کارگران به سر کار بازگشته اند اما با خُلف و عده کارفرما روبرو شده اند.

اعتصاب کامیون داران در پایانه استراتژیک بندرعباس یک روز قبل از فراخوان

صفحه ۱۴

## ستون اخبار کارگری و حرکت های اعتراضی

تهیه و تنظیم: سپیده امیرعسگری و آرش کلهر

### ادامه خیزش سراسری علیه اعدام های اخیر

طی روزهای جمعه و شنبه ۲۹ و ۳۰ اردیبهشت ماه و پس از قتل حکومتی مجید کاظمی، صالح هاشمی و سعید یعقوبی، مردم آزادیخواه در چندین محله تهران از جمله شهرک اکباتان، ستارخان و تهرانپارس، نازیاباد، در گهردشت کرج، اصفهان مشهد، سنندج و شهرهای سیستان و بلوچستان ازمله شهر زاهدان علیه قتل های حکومتی اخیر باشعراهای مرگ بر حکومت اعدامی و مرگ پرخامنه ای به خیابان ها آمدند و شبها با سردادن شعارها در پشت بامها صدای اعتراضی طنین انداز شهرهای متعددی بود.

جمعی از زندانیان سیاسی زن در زندان اوین در واکنش به اعدام های اخیر در حیاط بند زنان تجمع کردند. همزمان شش تن از زندانایان سیاسی مرد نیز در بیانیه ای از مجازات اعدام به عنوان ابزار سرکوب انتقاد کرده اند.

در گزارشی از این مراسم که در فضای مجازی منتشر شده است، زندانیان سیاسی در حیاط بند زنان اوین عصر روز شنبه ۳۰ اردیبهشت در تجمع خود به اعدام های اخیر از جمله اعدام دو نفر در زندان اراک به اتهام سب النبی و سه متهم پرونده «خانه اصفهان» اعتراض کرده اند.

### موج اعدام ها در ایران واکنش گسترده ای در داخل و خارج ایران به دنبال داشت

در واکنشی که خبر آن به تازگی به بیرون زندان درز کرده است، نرگس محمدی، سپیده قلیان، بهاره هدایت، زهره سرو، مهوش شهریاری، نسربین خضری جوادی، شکیلا منفرد، ویدا ربانی در مراسم اعتراض به این اعدام ها سخنرانی کرده اند. هر کدام در نوبت خود حکم اعدام را تلاش رژیم اسلامی برای زهر چشم گرفتن از خیزش انقلابی ارزیابی کرده و آن را محکوم کردند.

### تحصن دانشجویان در اعتراض به اعدام مجید کاظمی، صالح هاشمی و سعید یعقوبی و اجرای احکام شنیع اعدام

روز شنبه ۳۰ اردیبهشت ماه ۱۴۰۲ دانشجویان دانشگاه های تربیت مدرس، دانشگاه بهشتی، دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران، دانشگاه زنجان، دانشگاه آزاد تبریز و دانشگاه سوره در اعتراض به اعدام مجید کاظمی، صالح هاشمی و سعید یعقوبی و اجرای احکام شنیع اعدام و در اتحاد با فراخوان سایر دانشگاه های کشور لباس سیاه برتن کرده و دراعتراض به اعدام ها تجمع کردند. لازم به ذکر است پس از برگزاری تجمع اعتراضی در دانشگاه بهشتی در اعتراض به اجرای حکم اعدام و ضرب و شتم دانشجویان توسط نیروهای حراست، پیامک هایی مبنی بر احضار دانشجویان این دانشگاه درست چند ساعت پس از تجمع ارسال شده است. در همین راستا پرونده ای برخی دانشجویان در کمیته انضباطی مجدداً به جریان افتاده است.

همچنین در پیامک های ارسال شده تأکید شده است که دانشجویان باید با اولیای خود در کمیته حاضر شوند و این درحالی است که در آیین نامه ای انضباطی هیچ ماده ای مبنی بر لزوم حضور دانشجو به همراه خانواده، وجود ندارد.

### برادر مجید کاظمی، از اعدام شدگان پرونده خانه اصفهان بازداشت شد

محمد هاشمی، پسر خاله مجید کاظمی، از اعدام شدگان پرونده موسوم به «خانه اصفهان» از بازداشت برادر مجید کاظمی پیش از ظهر روز جمعه، ۲۹ اردیبهشت خبر داد. او در صفحه توئیتر خود در این باره

کارگر، معلم بپاخیز، برای رفع تبعیض !

## ستون اخبار کارگری و حرکتهای اعتراضی

### تهیه و تنظیم: سپیده امیرعسگری و آرش کلهر

بر اساس ویدئویی که در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده روز یکشنبه ۳۱ اردیبهشت ۱۴۰۲، کامیون داران در پایانه استراتژیک بندرعباس یک روز قبل از فراخوان از پیش تعیین شده اعتصاب خود را آغاز کردند. بنابر اخبار منتشر شده، اعتصاب رانندگان کامیون و کامیون داران در پایانه اصفهان تا لحظه تنظیم این خبر، برای سومین روز متوالی ادامه دارد.

چندی پیش کامیون داران و رانندگان سراسر ایران با انتشار فراخوانی ضمن دعوت از دیگر اصناف جامعه اعلام کردند؛ در تاریخ یکم خرداد ماه در اعتراض به ظلم و ستم جمهوری اسلامی علیه اقشار مختلف دست به اعتصابات گسترده خواهند زد.

### اعتصاب رانندگان خودروهای سنگین در اراک

بر اساس گزارش منتشر شده، روز دوشنبه ۱ خرداد ۱۴۰۲، رانندگان خودروهای سنگین در اراک دست به اعتصاب زدند.

### تجمع اعتراضی جوانان جویای کار در مقابل شرکت نیشکر هفت‌تپه

روز دوشنبه اول خردادماه ۱۴۰۲ جمعی از جوانان فاقد شغل ساکن در محدوده مجتمع کشت و صنعت نیشکر هفت تپه، با تجمع در مقابل درب این شرکت، خواستار استخدام در این کارخانه شدند.

### تجمع اعتراضی کارگران ابنیه فنی راه‌آهن قم مقابل ساختمان استانداری و اداره کار

روز دوشنبه اول خردادماه ۱۴۰۲ کارگران ابنیه فنی راه‌آهن قم مقابل ساختمان استانداری و اداره کار دست به تجمع اعتراضی زدند. اعتصاب و اعتراض کارگران بدلیل حقوق معوقه و همچنین اخراج ۲۵ نفر از همکاران خودشان صورت گرفته. اداره راه آهن قم به دروغ اعلام کرده این کارگران بدلیل اینکه سرکار نیامدند غیبت خوردند در صورتی که در برگه ترک کار اینها از طرف اداره نوشته شده بدلیل اینکه احتمال بوجود آورد سانحه این کارگران اخراج شدند.

### اعتراض کارگران پیمانکاری شهرداری ایلام به معوقات مزدی

کارگران پیمانکاری بخش حمل و نقل و خدمات شهرداری ایلام در ادامه پیگیری مطالبات مزدی خود دیرروز و امروز تجمع کردند. بیش از دو ماه معوقات مزدی طلبکاریم و نگرانیم این بدهی‌ها برای ماه‌های آینده افزایش پیدا کند.

طی دو ماه گذشته برای پیگیری مطالبات خود به چند نهاد دولتی و غیردولتی مراجعه کردیم اما هنوز اتفاقی نیفتاده است. در حال حاضر وضعیت مالی کارگران مناسب نیست و آن‌ها از تامین معاش خود ناتوان شده‌اند.

### فقدان ایمنی کار؛ مرگ و مصدومیت بیست و یک کارگر در شهرهای مختلف

در سایه فقدان ایمنی محیط و شرایط کار، بیست و یک کارگر در شهرهای دزفول، قم، مشهد و تهران دچار حادثه شدند. طی این حوادث چهار کارگر جان خود را از دست دادند و هفده کارگر دیگر از جمله سه آتش نشان دچار مصدومیت شدند. ایران در زمینه رعایت مسائل ایمنی کار در میان کشورهای جهان رتبه ۱۰۲ را به خود اختصاص داده که رتبه بسیار پایینی است. بر اساس گزارش‌های منتشر شده یک کارگر ساختمانی در قم جان باخت. بر اساس این گزارش، این کارگر هنگام کار آرماتور بندی به دلایل نامعلومی از ارتفاع ساختمان در حال ساخت سقوط کرد و بر اثر شدت برخورد با زمین و عدم شرایط امداد رسانی، جان خود را از دست داده است. همچنین در این گزارش آمده است، از ابتدای سال جاری تاکنون چهار کارگر ساختمانی در قم جان خود را از دست داده و سه کارگر دیگر نیز قطع نخاع شده‌اند.

### مرگ یک کارگر در مشهد

یک کارگر ساختمانی در حین انجام کار در مشهد جان خود را از دست داد. بر اساس این گزارش، یک کارگر سی و هشت ساله در یکی از روستاهای محدوده جاده کلات از توابع شهرستان مشهد، بر اثر سقوط ناگهانی قالب فلزی بتنی روی سرش دچار مصدومیت شد. این کارگر پس از انتقال به بیمارستان بر اثر شدت جراحات وارده جان خود را از دست داد.

### مرگ دو کارگر چاه کن در دزفول

دو کارگر چاه کن (مقنی) در حین انجام کار در دزفول جان خود را از دست دادند. بر اساس این گزارش، این دو کارگر سی و چهار ساله و سی و شش ساله، در روستای بنوار شامی واقع در شهرستان دزفول، به دلیل محبوس شدن در چاه، جان خود را از دست دادند. در این گزارش آمده است، اجساد این کارگران با تلاش گروه‌های امدادی به بیرون از چاه انتقال پیدا کرده است.

### هفده مصدوم بر اثر حادثه آتش سوزی در تهران

بنا به گزارش منتشر شده، در پی وقوع حادثه آتش سوزی در تهران هفده نفر دچار مصدومیت شدند. رئیس اورژانس استان تهران با اعلام این خبر گفت: "ساعت یازده و سی و چهار دقیقه ظهر روز شنبه سی ام اردیبهشت ماه، حادثه آتش سوزی در انبار لوازم موتور سیکلت واقع در میدان گمرک تهران، منجر به مصدومیت هفده نفر شده است." محمد اسماعیل توکلی در ادامه افزود: از میان مصدومین این حادثه تعداد هشت نفر برای ادامه درمان به مراکز درمانی منتقل شده که در این میان، سه مصدوم نیز از عوامل و نیروهای آتش نشانی بوده اند.

ما در برنامه جامعه و کارگران همواره اعلام کردیم سودجویی سرمایه‌داران و دولت عامل اصلی عدم تامین ایمنی کار و مسنول قتل و مصدومین کارگران هستند و ضمن اعلام همدردی با خانواده جانباختگان آن را محکوم می‌کنیم.

### تداوم تجمع اعتراضی بازنشستگان در استانها

روز یکشنبه ۳۱ اردیبهشت ۱۴۰۲ جمعی از بازنشستگان و مستمری‌بگیران تامین اجتماعی شوش، رشت، اصفهان، شوشتر، اراک و کرمانشاه در اعتراض به شرایط بد معیشتی و عدم رسیدگی به خواست و مطالبات‌شان مجدداً دست به تجمع زدند.

### تجمع اعتراضی بازنشستگان مخابرات

روز دوشنبه اول خردادماه ۱۴۰۲ بازنشستگان مخابرات منطقه خوزستان، چهارمحال و بختیاری، کرمانشاه، اراک، اصفهان، مشهد، گیلان، همدان، ایلام و سیستان و بلوچستان در اعتراض به عدم رسیدگی به خواسته‌هایشان دست به تجمع زدند.

تجمع اعتراضی همزمان بازنشستگان تامین اجتماعی اهواز، سواد آموزان نهضت سوادآموزی خوزستان و کارکنان دانشگاه شهرداری اهواز مقابل استانداری خوزستان

بنابر گزارش و تصاویر رسیده، روز یکشنبه ۳۱ اردیبهشت ۱۴۰۲ جمع‌هایی از بازنشستگان تامین اجتماعی اهواز، سوادآموزان نهضت سوادآموزی و کارکنان دانشگاه شهرداری اهواز بطور همزمان در اعتراض به عدم رسیدگی به خواسته و مطالبات‌شان مقابل استانداری خوزستان در شهر اهواز دست به تجمع زدند.

تجمع و راهپیمایی بازنشستگان سازمان تامین اجتماعی در اهواز در روز چهارشنبه ۳ خرداد

بازنشستگان سازمان تامین اجتماعی در اهواز روز چهارشنبه ۳ خردادماه برای دادخواهی و پیگیری خواسته‌های معیشت، منزلت و حقوقی بحق خود و اعتراض به محکومیت صادر کردن حکم یک و شش ماه زندان برای وکیل بازنشستگان و کارگران، خانم "فرزانه ذیالی" دست به تجمع و راهپیمایی زدند.

اولین سالگرد فاجعه متروپل و حضور گسترده‌ی نیروهای



## ستون اخبار کارگری و حرکت‌های اعتراضی

تهیه و تنظیم: سیده امیرعسگری و آرش کله

### انتظامی برای ممانعت از برگزاری تجمع مردم

ظهر روز دوشنبه ۲ خرداد ۱۴۰۱ جنایت فروریختن متروپل در مرکز آبادان رخ داد. در پی وقوع این حادثه، ۴۳ نفر جان خود را از دست دادند.

در سالگرد این اتفاق مردم آبادان به همراه خانواده‌ی جانباختگان تصمیم به برگزاری تجمع و گرامیداشت یاد جانباختگان را داشتند، اما تمام خیابان‌های اطراف توسط نیروهای امنیتی و انتظامی قُرُق شد. مردم با وجود بسته بودن مسیرهای منتهی به خیابان امیری، خود را به محل ساختمان متروپل رساندند.

### صدور حکم یک سال و شش‌ماه زندان برای فرزانه زیلابی

خانم فرزانه زیلابی از وکلای معلمان و کارگران جنوب به اتهام فعالیت تبلیغی علیه نظام و توهین به رهبری به یکسال و شش ماه حبس تعزیری محکوم شده‌است. در پی تداوم پرونده سازی‌های نیروهای امنیتی برای وکلای مدافع فعالین صنفی؛ شعبه چهار دادگاه کذایی اهواز بدون توجه به دفاعیات خانم زیلابی چنین حکمی صادر کرده‌است. این وکیل پیش‌تر نیز به یک سال حبس محکوم شده بود.

### فوت یک زندانی محکوم به اعدام بر اثر اضطراب ناشی از اجرای حکم

میلاذ بهمن زاده زندانی محکوم به اعدام در زندان تبریز بر اثر اضطراب ناشی از اجرای حکم اعدام دچار سکته قلبی شد و در گذشت. این زندانی روز یکشنبه ۳۱ اردیبهشت ۱۴۰۲ از بند سه‌گانه به بند ویژه این زندان منتقل شده بود که چند ساعت پس از انتقال به بند ویژه سکته کرد و پس از انتقال به بهداری روز دوشنبه ۱ خرداد جان خود را از دست داد. ما در برنامه جامعه و کارگران ضمن تسلیت به بستگان میلاذ بهمن زاده، سران رژیم اسلامی قاتل او میدانیم و محکوم میکنیم.

### اتهام محاربه علیه هفت تن از معترضان خیزش سراسری در تبریز

بنابه گزارش منتشرشده، طی هفته جاری هفت تن از معترضان که در جریان اعتراضات سراسری در تبریز بازداشت شده بودند، در دادگاه‌های کذایی این شهر به اتهاماتی از جمله محاربه محاکمه شده‌اند و اکنون در انتظار صدور حکم خود هستند. محکومان عبارتند از: پژمان اسلامی ۳۱ ساله، باقر تاجی احمدی فرد ۳۵ ساله، مهدی فناپی ۴۱ ساله، علیرضا شیردل ۳۳ ساله، امیر احمدیان ۲۱ ساله، انوش آدمی ۳۴ ساله و امید عبداللهیگی ۳۵ ساله. متهمان در بازداشتگاه اداره اطلاعات تحت شکنجه و اخذ اعترافات اجباری قرار گرفته‌اند و ویدیوهای اعترافات آنها ضمیمه پرونده شده است. در همین راستا، "پیش از این گزارش‌هایی درباره اتهام محاربه برای پژمان اسلامی منتشر شده و گفته بودند او بدون امکان دسترسی به وکیل انتخابی، از سوی دادگاه کذایی به «آتش زدن اموال عمومی، توهین به رهبری و لیدری اعتراضات» محکوم شده است

### برهان سعیدی فعال کارگری اهل سنندج بازداشت شد

روز پنجشنبه ۲۸ اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۲، برهان سعیدی فعال کارگری شهر سنندج از سوی اداره اطلاعات احضار و بازداشت شده است. به گفته خانواده این فعال کارگری تاکنون هیچ خبری از سلامت و محل بازداشت او در دسترس نمی‌باشد. برهان سعیدی پیش‌تر نیز به واسطه فعالیت‌های اجتماعی و کارگری سابقه بازداشت و محکومیت

دارد.

افزایش فشار و پرونده سازی علیه عزیز قاسمزاده همزمان با تداوم ممنوعیت ملاقات دو عضو دیگر کانون صنفی معلمان گیلان

عزیز قاسمزاده، هنرمند، معلم و فعال صنفی فرهنگیان که در حال سپری کردن دوران حبس تعزیری یک ساله خود در زندان لاکان رشت است اکنون با پرونده‌ای جدید مواجه شده است. این مسئله همزمان با انتقال ناگهانی و بدون اطلاع آقای قاسمزاده از زندان لاکان پس از آن صورت گرفته که وی و دو عضو دیگر کانون صنفی معلمان گیلان آقایان انوشعادلی و محمود صدیقی پور از نوزدهم اردیبهشت ممنوع الملاقات و تماس شده بودند. در نهایت پس از ۴ روز بی خبری مطلق و نگرانی خانواده آقای قاسمزاده طی تماس کوتاهی اعلام کرد که در سلول‌های انفرادی اداره اطلاعات سپاه گیلان تحت بازجویی قرار داشته و با وجود تماس دو معلم بازنشسته‌ی گیلانی از درون زندان و تقاضای بازگشت آقای قاسمزاده به زندان، آن‌ها نیز همچنان از ملاقات با خانواده‌ی خود محروم هستند.

بنابر اخبار منتشر شده، روز دوشنبه اول خرداد ماه عزیز قاسمزاده، معلم زندانی که برای بازجویی به بند انفرادی اطلاعات سپاه گیلان منتقل شده بود، به زندان لاکان رشت بازگردانده شد.

### حمله به خانواده فعالین کارگری و مدنی بازداشتی در سنندج

بنابه خبرهای دریافتی، صبح روز شنبه ۳۰ اردیبهشت ماه حدود ساعت ۱۲ و نیم نیروهای سرکوبگر اطلاعات و انتظامی سنندج به تجمع خانواده‌های بازداشتی‌های حمله کرده و جمعی از آنان را بازداشت کرده‌اند. بنا به گزارش منتشر شده تاکنون، بهیه کریمی، دلیر کریمی، نسیرین کریمی، زینب کریمی، کیان پیشکاری و حدوداً ۱۰ نفر دیگر بازداشت شده‌اند. تجمع آنها برای پیگیری و کسب اطلاعات از بازداشتی‌های شب پنجشنبه در منزل جانباخته خیزش انقلابی "هومن عبداللهی" بوده است که در آن عبه خیرآبادی، هاجر سعیدی، حبیب کریمی، اقبال پیشکاری، سیروان محمودی و خبات محمودی توسط ستاد خبری سنندج با ضرب و شتم بازداشت شده بودند.

### تبعید و تعلیق از تحصیل ۸ دانشجو!

۸ دانشجوی علوم پزشکی تبریز در احکامی بی سابقه با احکام ۱ الی ۲ ساله محرومیت از تحصیل و تبعید به شهرهای اهواز، سمنان، کاشان، ارومیه و اردبیل رو به رو شدند! این احکام پس از اعتراض این دانشجویان به مسمومیت گسترده مدارس بر ایشان صادر گردیده است!

میرمهدی موسویان دانشجوی رشته پزشکی ورودی مهر ۱۳۹۹، محمد امین سلطان زاده دانشجوی رشته پزشکی ورودی مهر ۱۳۹۹، سهیلا سپیده دم دانشجوی رشته داروسازی ورودی ۱۳۹۴، علی پروین دانشجوی رشته داروسازی ورودی ۱۳۹۸، الهه اشرف پور دانشجوی رشته پرستاری ورودی ۱۴۰۰ و رضا انصاریان دانشجوی رشته پزشکی ورودی ۱۳۹۷ از جمله این دانشجویان هستند.

### ۵۰ روز حبس، بلاتکلیفی و عدم پاسخگویی در خصوص وضعیت معلم بازداشتی مسعود فرهیخته

مسعود فرهیخته، فعال صنفی و عضو شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران، که در تاریخ ۱۱ اردیبهشت در خانه‌اش در کرج بازداشت شد، همچنان در مکانی نامعلوم تحت بازجویی می‌باشد. تاکنون مقامات قضایی هیچ پاسخ روشنی به خانواده‌ی ایشان نداده‌اند.

به حزب کمونیست کارگری

ایران- حکمتیست کمک مالی کنید!

زنده باد همبستگی جهانی کارگران!

آدرسهای تماس با حزب  
کمونیست کارگری - حکمتیست

دفتر مرکزی حزب

پروین کابلی

[daftaremarkzy@gmail.com](mailto:daftaremarkzy@gmail.com)

رئیس دفتر سیاسی

سیاوش دانشور

[siavash\\_d@yahoo.com](mailto:siavash_d@yahoo.com)

دبیر کمیته مرکزی

ناصر مرادی

[moradi.naser@gmail.com](mailto:moradi.naser@gmail.com)

دبیر کمیته سازمانده

رحمان حسین زاده

[hosienzade.r@gmail.com](mailto:hosienzade.r@gmail.com)

دبیر کمیته کردستان

صالح سرداری

[sale.sardari@gmail.com](mailto:sale.sardari@gmail.com)

دبیر تشکیلات خارج

نادر شریفی

[sharifi.nader@gmail.com](mailto:sharifi.nader@gmail.com)

دبیر اجرایی

همایون گدازگر

[Homayon\\_1954@yahoo.de](mailto:Homayon_1954@yahoo.de)

**PARLOW TV**  
تلویزیون پرتو  
رسانه تصویری حزب حکمتیست  
رسانه ای برای یک دنیای بهتر

برنامه های تلویزیون پرتو، رسانه حزب کمونیست کارگری - حکمتیست  
را بطور زنده از طریق کانال آلترناتیو شورایی دنبال کنید و به  
کارگران و دوستانتان معرفی کنید. آدرس خط زنده:  
<https://alternative-shorai.tv>

ماهواره: یاه ست ، فرکانس : ۱۲۵۹۴ ، پولاریزاسیون : عمودی ،  
سیمبل ریت : ۲۷۵۰۰ ، اف ای سی : ۳/۲

ساعات پخش به وقت ایران :  
هر روز از ساعت ۲۱:۳۰ تا ۲۲:۳۰  
تکرار روز بعد در ساعت های : ۳:۳۰ تا ۴:۳۰ ، ۹:۳۰ تا ۱۰:۳۰ ، ۱۵:۳۰ تا ۱۶:۳۰

### زنده باد شوراها!

ارگانهای اعمال اراده مستقیم توده ای را همه جا ایجاد کنید! در کارخانه  
ها و محلات شوراها را برپا کنید! امروز شورا ارگان مبارزه و قیام و فردا  
ارگان حاکمیت!

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

سردبیر: سعید یگانه

[Siavash\\_d@yahoo.com](mailto:Siavash_d@yahoo.com)

اگر برای کمونیست مقاله میفرستید:

منشور  
کمونیست

سردبیر در انتشار و رد و تلخیص مقالات آزاد است. نشریه کمونیست تنها مقالاتی را منتشر میکند که  
برای این نشریه تهیه شدند. مطالب باید حداکثر تا ظهر پنجشنبه دریافت شده باشند.

برنامه های تلویزیون پرتو، رسانه حزب کمونیست  
کارگری - حکمتیست را بطور زنده از طریق کانال آلترناتیو  
شورایی دنبال کنید و به کارگران و دوستانتان معرفی کنید.  
آدرس خط زنده:

<https://alternative-shorai.tv>

زنده باد سوسیالیسم!